

یک بام و دو هوادر زمین گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای در خاورمیانه

زرادخانه اتمی اسرائیل*

دکتر سعیده لطفیان - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

* این مقاله براساس بخشی از فصل سوم طرح پژوهشی «نگرشی به آینده سیاستگذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اتمی شدن خاورمیانه» مصوبه شورای پژوهشی دانشگاه تهران در ۲۸ بهمن ۱۳۷۴ تهیه شده است.

مقدمه

از فردای جنگ خلیج فارس برنامه‌های تجدید قوای نظامی ایران به سه دلیل عمده مورد انتقاد قرار گرفته و بسیار بزرگتر از آنچه هست جلوه داده شده است: ۱- توجه حضور نظامی قدرتهای بزرگ در منطقه، بویژه در آبهای خلیج فارس؛ ۲- ایجاد حس ناامنی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به منظور ترغیب آنها به خرید جنگ افزارهای پرهزینه برای مقابله با تهدید فرضی «ایرانی که در حال مجهز شدن به سلاح های گشتار جمعی و موشکهای بالستیکی با برد میانه است»؛ ۳- منحرف کردن توجه روزافزون مطبوعات و محافل سیاسی عرب از مسئله اتمی بودن اسرائیل. با تحت الشعاع قرار دادن گزارش‌ها و خبرهای منتشره در رسانه‌های گروهی، تلاش می‌شود تا به اعتراض کشورهای منطقه به برنامه‌های نظامی اتمی اسرائیل و عدم پذیرش معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی از سوی تل‌آویو، پایان دهند. پرسشی که مطرح می‌شود این است: آیا کشورهای خاورمیانه باید بر این مبنا که هنوز تل‌آویو به طور علنی و رسمی داشتن چنین سلاح‌هایی را تأیید نکرده است توانایی هسته‌ای اسرائیل را نادیده بگیرند؟ آیا باید این ادعا را بپذیرند که سلاحهای انهدام جمعی تحت کنترل نیروهای نظامی اسرائیل متزلزل کننده ثبات منطقه نیست و برعکس مانع از جنگ‌های بزرگ می‌شود ولی ماهیت رژیم‌های موجود در سایر کشورهای مشکوک به جاه‌طلبی‌های اتمی و سرمایه‌گذاری در برنامه‌های ملی تولید تسلیحات اتمی چنان است که تنها اتمی شدن آنها به بی‌ثباتی بیشتر منطقه می‌انجامد؟ در اینجا، به بررسی برنامه و استراتژی هسته‌ای اسرائیل پرداخته و نتیجه می‌گیریم که گسترش توانایی نظامی اتمی آن دولت برای منطقه و جهان مشکل‌آفرین خواهد بود.

دلایل گرایش قدرت‌های متوسط به تحصیل جنگ افزارهای اتمی

دهد زیرا سیستم پرتاب کننده موشک قاره بیما با کلاک اتمی در اختیار ندارد. و به فرض که توانائی حمله محدود به قلمروی اسراییل را داشته باشد باز، به دلیل اثرات زیست محیطی انفجار هسته‌ای در منطقه خاورمیانه یا مجازاتهای تلافی جویانه جامعه بین‌المللی، استفاده از تسلیحات اتمی، برای آن کشور نوعی خودکشی خواهد بود.

دیدگاه متضاد با نظر بالا این است که اتمی شدن هر کشور (مانند ایران) باعث تغییر توازن قدرت سیاسی در منطقه (خاورمیانه) و در جهان می‌شود چرا که اولاً، قدرت‌های بزرگی که درحال حاضر حق انحصاری عضویت در باشگاه اتمی را دارا هستند (ازجمله آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان، چین و هندوستان)، نمی‌توانند با تهدید حمله اتمی به قدرت جدید اتمی (به‌طور مثال ایران اتمی شده) به اهداف سیاست خارجی خود نائل شوند و کشور مزبور را ناگزیر از تغییر سیاستهای داخلی یا منطقه‌ای خود سازند. جنگ افزارهای هسته‌ای را می‌توان به‌عنوان اهرم فشاری بر کشورهای فاقد توانائی‌های اتمی به کار برد و آنها را از دنبال کردن سیاستی خاص بازداشت.

تاریخچه مختصر برنامه هسته‌ای اسراییل



تصمیم جدی اسراییل برای دستیابی به توان اتمی به قریب پنجاه سال پیش یعنی دوران شکل‌گیری این کشور در سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد. در این زمان دانشمندان و کارشناسان اتمی اسراییل شروع به استخراج اورانیوم از ذخیره‌های فسفات واقع در صحرای نقب کردند. نخستین بمب‌های اتمی اسراییل باید بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰ وارد زرادخانه اتمی این کشور شده باشد. منابع مختلف شمار جنگ افزارهای اتمی اسراییل را بین حداقل ۵۰ و حداکثر ۳۰۰ عدد تخمین زده‌اند. در اینجا، به شرح مختصر برنامه تولید سلاحهای اتمی در این کشور می‌پردازیم. در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ اسراییل و فرانسه همکاری نزدیکی در زمینه قابلیت‌های اتمی برقرار کردند. یکی از دلایل این روابط صمیمانه نظامی را باید دشمنی مشترک آنها با شخص عبدالناصر رهبر مصر، و نیاز فرانسه به دانش کارشناسان فیزیک اتمی اسراییل دانست. در سال ۱۹۵۷، فرانسه نخستین نیروگاه انرژی اتمی اسراییل (با قدرت ۲۶ مگاوات) موسوم به نیروگاه دیمونا (Dimona) را در نقب احداث کرد. تصمیم اسراییل برای راه‌اندازی نیروگاه دیمونا به جنگ ۱۹۵۶ سوتز و روبرو شدن اسراییلی‌ها با خطر تحریم تسلیحاتی آمریکا بازمی‌گشت. در این دوره زمانی، اعراب با کمک شوروی سرگرم فعالیتهایی برای تولید تسلیحات و بازسازی نظامی بودند. برای مقابله با قدرت نظامی روبه‌رشد کشورهای عربی، اسراییل به فرانسه به‌عنوان تنها فراهم آورنده جنگ افزارهای مخرب و همکار فعالیتهای نظامی خودروی آورد. دولت اسراییل دریافتی بود که پیروزی‌هایش در جنگهای مکرر با اعراب تا حد زیادی به کاستی‌های موجود در توانایی نظامی عرب‌ها بازمی‌گردد. در



پیش از مطالعه مورد اسراییل، باید مشخص کنیم چه عوامل مهمی کشورهای جهان سوم را به تحصیل سلاح‌های اتمی ترغیب می‌کند. به دلیل ضرورت داشتن هزینه‌های مالی هنگفت، زیرساختارهای صنعتی و تکنولوژیک نسبتاً پیشرفته، و نیروهای انسانی متخصص و ماهر، تنها قدرت‌های بزرگ و متوسط قادر به اجرای سیاستهای جاه‌طلبانه کسب توانایی تولید جنگ افزارهای اتمی هستند. سه عامل عمده را می‌توان مشوق قدرت‌های متوسط به سرمایه‌گذاری در برنامه تولید سلاحهای کشتار جمعی دانست: (۱) انزوای سیاسی کشور (مانند تایوان، آفریقای جنوبی و اسراییل)؛ (۲) رقابت با کشورهای همجوار برای کسب موقعیت بهتر منطقه‌ای و شهرت جهانی (مانند برزیل و آرژانتین)؛ (۳) منازعات و درگیری‌های تاریخی و رقابت نظامی با همسایگان (مانند اسراییل، هند و پاکستان).

شکی نیست که قدرت‌های بزرگ (به ویژه اعضای باشگاه انحصاری اتمی) با دستیابی سایر قدرتها به توان اتمی مخالفند. نگرانی‌های شمال از اتمی شدن جنوب شامل موارد زیر می‌گردد:

■ نگرانی از خنثی شدن تهدیدهای اتمی. با اتمی شدن قدرتهای نظامی ضعیف‌تر، احتمال دارد قدرت‌های بزرگ جهان دیگر نتوانند با تهدید به استفاده از این‌گونه تسلیحات آنها را زیر فشار قرار دهند.

■ نگرانی از بالا رفتن تعداد کشورهای اتمی. کشورهای شمال بر این باورند که اگر کشوری در جنوب موفق به دستیابی به سلاحهای هسته‌ای گردد، تکنولوژی و مواد لازم برای ساخت این نوع از سلاح‌های کشتار جمعی به سرعت به سایر کشورها صادر می‌شود و رژیم منع گسترش سلاحهای اتمی تضعیف می‌گردد. برای نمونه، ممکن است کره شمالی پس از کسب توانایی‌های هسته‌ای با همکاری نظامی هسته‌ای با ایران موافقت کند و در مرحله بعد ایران نیز به سوریه و لبنان در زمینه دستیابی به بمب اتمی کمک نماید.

■ نگرانی از ناامنی زرادخانه‌های اتمی و بویژه نگرانی از انبار سلاح‌های اتمی کشورهای بی‌دستی که تازه به قدرت اتمی دست یافته‌اند. فرض بر این است که قدرتهای اتمی نوظهور توانایی لازم را برای حفظ امنیت زرادخانه‌های خود ندارند و با تهدیدهای داخلی و خارجی بیشتری برای مصون نگهداشتن تسلیحات هسته‌ای خود روبرو می‌باشند.

در نتیجه این نگرانی‌ها، دیدگاه‌های ضدونقیضی در مورد مفید بودن سلاح‌های اتمی ابراز شده است. نظر نخست این است که دستیابی کشورهای جهان سوم (خصوصاً آنها که سیاستهایی مغایر با منافع خاص غرب دارند) به توانایی نظامی هسته‌ای تأثیر چندانی بر «توازن قدرت» اتمی نمی‌گذارد یعنی باعث تغییر در توزیع قدرت نظامی نمی‌شود. حتی اگر کشوری مانند ایران ۴۰ یا ۵۰ بمب اتمی هم بسازد، نمی‌تواند شهرهای بزرگ آمریکا و مردم آن کشور را مورد تهدید قرار

نتیجه، جهان عرب می‌کوشید با افزایش قدرت نظامی خود به برتری استراتژیک اسرائیلی‌ها پایان دهد.

در سوم اکتبر ۱۹۵۷، اسرائیل قرارداد محرمانه‌ای با فرانسه دایر بر خرید یک نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت ۲۴ مگاوات منعقد ساخت. چهار زمین همکاری در این موافقتنامه سرری عبارت بود از: انتقال نیروگاه به اسرائیل، تأمین امکانات لازم برای تفکیک پلوتونیوم، همکاری در زمینه توسعه موشک‌های زمین به زمین با کلاهک هسته‌ای، و کمک تکنولوژیک اسرائیل به برنامه اتمی فرانسه. در ۱۹۵۸، نخستین مراحل ساخت نیروگاه اتمی در نقب آغاز شد. در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۳، بن‌گوریون ناگهان از سمت وزیر دفاع و نخست‌وزیری کناره‌رفت و به سلطه پانزده ساله خود به عنوان بانفوذترین شخصیت سیاسی پایان داد. نیروگاه دیمونا که در ۱۹۶۲ فعال شد، با ظرفیتی بیش از هفتاد مگاوات (خیلی بیش از ۲۴ مگاواتی که به‌طور رسمی توسط دولت بن‌گوریون اعلام شده بود) قادر به فعالیت بود. این بدان معنی بود که نیروگاه، قادر به تولید فرآورده‌های جانبی پلوتونیوم برای فرآوری مجدد و ساخت تسلیحات اتمی بیشتری است. در همان سال، با وجود تأکید ژنرال دوگل بر این مطلب که فرانسه هیچ ارتباطی با بمب اتمی اسرائیل نخواهد داشت، شرکت‌های خصوصی ساختمانی فرانسوی در دیمونا دوباره شروع به ساخت یک کارخانه مهم برای بازفرآوری شیمیایی مواد اتمی در زیر زمین در دیمونا کردند. مهندسان و تکنسین‌های فرانسوی به سرعت بسیار برای سه سال و با دستمزدهای کلان مشغول احداث این کارخانه بودند. دانشمندان فرانسوی و اسرائیلی به همکاری خود در مرکز آزمایش‌های اتمی فرانسه در صحرا (در آفریقای شمالی) نیز ادامه دادند. این آزمایش‌ها بیشتر ناظر بر توسعه تسلیحات اتمی بود. در اواخر سال ۱۹۶۱ فرانسوی‌ها مجموعه‌ای از آزمایش‌های زیرزمینی را با هدف بهتر کردن کلاهک‌های اتمی کوچکی که قابل استفاده در سیستم پرتاب هواپیماهای جنگنده و نیز در موشک بود آغاز کردند. در اوایل سال ۱۹۶۰ نیز در خفا آزمایش‌های دیگری روی سیستم موشکی پیشرفته‌ای موسوم به شویت (Shavit) صورت گرفته بود. در سال ۱۹۶۳، اسرائیل مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار به شرکت خصوصی فرانسوی دسالت (Dassault) - که در آن زمان در زمره موفق‌ترین شرکت‌های هواپیماسازی و موشک‌سازی دنیا بود - برای توسعه و تولید بیست و پنج موشک دوربرد پرداخت نمود. این موشک که با نام جریکو - یک در جامعه اطلاعاتی آمریکا شناخته می‌شد، قادر به پرتاب کلاهک‌های اتمی کوچک به هدف‌هایی در فاصله ۳۰۰ مایلی بود. در بهار ۱۹۶۳، رابطه‌کنندی با بن‌گوریون بر سر دیمونا به بن‌بست رسید و مکاتبات آنان لحن تلخ و غیردوستانه‌ای پیدا کرد. در ماه مه ۱۹۶۳، بن‌گوریون پس از دریافت یادداشت شدیدالحنی از کنندی با بازرسی سالانه نیروگاه دیمونا توسط هیئت آمریکایی موافقت کرد. وی در مصاحبه‌ای که متن آن در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۳ منتشر شد با اظهار نگرانی از قدرت نظامی مصر و دستیابی این همسایه عرب خود به تکنولوژی موشکی بیان داشت: احتمال دارد که اسرائیل «در نیروگاه اتمی دیمونا سرگرم آزمایش‌های

هسته‌ای نظامی باشد... انرژی اتمی را نمی‌توان نادیده گرفت زیرا ناصر تسلیم نخواهد شد. وی تا زمانی که اطمینان پیدا نکند که می‌تواند به پیروزی برسد دوباره مبادرت به جنگ نخواهد کرد. تسلیحات اتمی برای این منظور اهمیت دارد، و او دارای بیابانهای وسیعی برای آزمایش (سلاح‌های اتمی) است. ما در اینجا قادر به آزمایش نیستیم.» در همان روز انتشار این مصاحبه، بن‌گوریون نامه‌ای به سردبیر نیویورک تایمز نوشت و هرگونه اشاره به تسلیحات اتمی را تکذیب کرد.^۲

در ۱۹۶۳، در پی استعفای بن‌گوریون لوی اشکول (Levi Eshkol) به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. وی پیش از رسیدن به مقام نخست‌وزیری حدود یازده سال در شغل وزیر امور مالی اسرائیل در تلاش بود تا بودجه تخصیص یافته به دیمونا را کم کند. برخلاف بن‌گوریون، وی از لحاظ احساسی پای‌بندی کمتری به برنامه اتمی اسرائیل داشت. اشکول بر این باور بود که صدها میلیون دلاری که سالانه صرف فعالیتهای اتمی می‌شود به زیان نیاز اصلی و فوری اسرائیل (یعنی سلاح‌های پیشرفته‌تر و آموزش‌های نظامی بهتر برای نیروی هوایی و ارتش) است. اما گزارش‌های اطلاعاتی سیا نشان می‌داد که اسرائیل به جای کاستن از سرعت توسعه برنامه اتمی خود در دوران ریاست جمهوری وی در حال گسترش آن بوده است. در نتیجه، کنندی دولت جدید اسرائیل را تحت فشار قرار داد تا با بازرسی بین‌المللی از دیمونا موافقت نماید. دلیل اصرار کنندی آن بود که تصور می‌کرد اسرائیل هنوز به هیچ‌گونه سلاح اتمی دست پیدا نکرده است، و هنوز قصد اتمی شدن ندارد. کنندی به مخالفت خود با برنامه تولید تسلیحات اتمی اسرائیل تا آخر ادامه داد. لیندون جانسون نیز در سالهای اول ریاست جمهوری خود، سیاست کنندی را در مورد پافشاری بر تن دادن اسرائیل به بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دنبال نمود. سیاستمداران واشینگتن تصور می‌کردند اتمی شدن اسرائیل منجر به اتمی شدن مصر، افزایش مداخله شوروی در خاورمیانه و شاید جنگ خواهد شد. هدف اشکول یافتن حد وسطی بین پافشاری کاخ سفید برای بازرسی‌های بین‌المللی و اصرار جناح طرفدار اتمی شدن اسرائیل در حزب مابای (Mapai) به رهبری بن‌گوریون بود که در بازنشستگی هم بر ایجاد زرادخانه هسته‌ای اسرائیل اصرار می‌ورزید. برای نخست‌وزیر جدید اسرائیل پرسش اصلی این نبود که آیا اسرائیل باید توانایی اتمی داشته باشد یا نه، بلکه این بود که باید در چه زمانی و با چه هزینه‌ای به این توانایی دست یابد که به زیان نیازهای ملی برای تجهیز و آموزش واحدهای نظامی غیراتمی نیروهای مسلح کشورش تمام نگردد. تصمیم اشکول در مورد عدم پای‌بندی اسرائیل به تولید انبوه جنگ‌افزارهای اتمی، مانع از پیشرفت فعالیتهای دیمونا نشد.

در سالهای پیش از ۱۹۶۷، بحران‌های سیاسی موجب رونق گرفتن بحث مهمی در اسرائیل در زمینه دستیابی به توانایی اتمی گردید. دولت صهیونیستی از جنگ تهاجمی اعراب و از احتمال کمک نظامی شوروی یا چین به کشورهای عرب برای کسب قدرت اتمی وحشت داشت. دو

اسرائیل کاتزیر (Katzir) چنین گفت: «قصد ما (یعنی دولت صهیونیستی) این بوده است که به توانایی هسته‌ای دست پیدا کنیم. درحال حاضر، ما بالقوه دارای این توانایی هستیم و با تمام امکانات به دفاع از کشور می‌پردازیم. ما چاره‌ای جز این نداریم که قدرت بیشتر و تسلیحات جدیدتری را برای حراست از خود کسب کنیم.»^۴ هنگامی که از نخست‌وزیر وقت اسرائیل رابین درخواست شد تا توضیحات بیشتری در مورد اظهارات کاتزیر بدهد، وی انکار کرد که کشورش یک «قدرت اتمی» است. به هر حال، وی تکرار کرد که اسرائیل اولین کشوری نخواهد بود که تسلیحات اتمی را وارد منطقه خاورمیانه می‌کند، و سپس افزود: «ما نمی‌توانیم دوامی هم باشیم.»^۵ یکی از ابهامات موجود در این گفته‌ها آن است که سلاح‌های اتمی قبلاً توسط نیروهای خارجی (مانند ناوگان دریایی آمریکا و زیردریایی‌های شوروی در دریای مدیترانه) به خاورمیانه آورده شده بوده و احتمال دارد که آمریکا در پایگاه‌های ناتو در ترکیه و سایر کشورهای همپیمانان در منطقه، بدون اطلاع دولت میزبان یا حتی با اطلاع آن، جنگ‌افزارهای هسته‌ای در خاورمیانه مستقر کرده باشد. این سخنان دوپهلوی بار دیگر در ژوئیه ۱۹۸۰ توسط موشه‌دایان مطرح شد: «ما (اسرائیلی‌ها) هرگز نگفته‌ایم از سلاح‌های اتمی استفاده نخواهیم کرد. فقط می‌گوئیم که اولین استفاده کننده از آنها نخواهیم بود.» در مارس ۱۹۷۶، وزیر دفاع پیشین موشه‌دایان اشاره کرد که اسرائیل درحال حاضر قادر به تولید بمب‌های اتمی است، و باید قبل از کشورهای عرب به سلاح اتمی دست یابد.^۶ در سپتامبر ۱۹۷۶، وزیر امور خارجه وقت اسرائیل ایگال الون (Yigal Allon) تأیید کرد که کشورش نخستین قدرت اتمی در خاورمیانه نخواهد بود اما انحصار اتمی اعراب را نیز تحمل نخواهد کرد.^۷ اشارات رابین و دایان و تعداد زیاد دیگری از مسئولان و مقامات اسرائیلی وحشت اساسی و همیشگی سیاستگذاران این کشور را منعکس می‌کند. آنان تصور می‌کنند که برخلاف اعراب، اسرائیل نمی‌تواند در هیچ جنگی با شکست آشکار مواجه شود و پس از آن همچنان کشوری معتبر باقی بماند. به دلیل همین نگرانی‌های امنیتی و برای حفظ موجودیت دولت صهیونیستی، محروم ساختن سایر کشورهای منطقه از حق اتمی شدن (حتی برای مقاصد صلح‌آمیز) از عمده‌ترین سیاست‌های اسرائیلی‌ها بوده است. اسرائیل حتی از اشارات غیر مستقیم و مبهم در مورد دارا بودن بمب اتمی بی‌اندازه نفع برده است. هر قدر چنین اشاراتی قابل قبول‌تر و معتبرتر جلوه کند، صهیونیست‌ها بیشتر و بهتر می‌توانند منافع سیاسی حاصل از توانایی نظامی اتمی را از آن خود سازند. اگر اسرائیل آشکارا مبادرت به آزمایش سلاح‌های اتمی نماید، قطعاً به عنوان عضو باشگاه اتمی شناخته می‌شود ولی علنی شدن زرادخانه اتمی اسرائیل زیان‌های سیاسی و نظامی برای آنها به همراه خواهد داشت.^۸

به هر حال، در مورد بمب‌های اتمی به اصطلاح «سری» اسرائیل آنقدر اطلاعات وجود دارد، که نمی‌توانیم ادعاهای پوچ تل‌آویورا در مورد غیر اتمی بودن قبول کنیم. اظهارات مردخای ونونو منتشر شده در

○ از فردای جنگ خلیج فارس، برنامه‌های تجدید قوای نظامی ایران به سه دلیل عمده مورد انتقاد قرار گرفته و بسیار بزرگتر از آنچه هست جلوه داده شده است: ۱- توجیه حضور نظامی قدرتهای بزرگ در منطقه و بویژه در خلیج فارس؛ ۲- ایجاد حس ناامنی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به منظور ترغیب آنها به خرید جنگ‌افزارهای پرهزینه برای رویارویی با تهدید فرضی ایران؛ منحرف کردن توجه روزافزون مطبوعات و محافل سیاسی عرب از مسئله اتمی بودن اسرائیل.

○ تصمیم جدی اسرائیل برای دستیابی به توان اتمی، به قریب پنجاه سال پیش یعنی دوران شکل‌گیری آن کشور در ۱۹۴۸ بازمی‌گردد.

نظریه مختلف پدیدار شده بود. گروه اول استدلال می‌کردند که برای بقای اسرائیل، هر چندگاه یکبار باید نمایش قدرتی صورت گیرد. گروه دوم اظهار می‌داشتند که مسئله عمده، برقراری صلح است؛ و معتقد بودند که اگر اسرائیل دارای تسلیحات اتمی گردد، ممکن است کشورهای اتمی (و حتی آمریکا) این کشور را تحت فشار قرار دهند تا این‌گونه سلاح‌های خود را کنار بگذارد و به بازرسی بین‌المللی تأسیسات هسته‌ای تن در دهد. در ضمن، اینان تصور نمی‌کردند که بازدارندگی اتمی در برابر درگیری‌های نامحدود مرزی با کشورهای عرب همسایه یا فعالیت‌های گروه‌های ضربت غیردولتی و فعالیت‌های تهاجمی فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی و در خارج، مفید باشد. در نتیجه، تصمیم گرفته شد که استراتژی «بازدارندگی غیر علنی» را در پیش گیرند. در ارتباط با برنامه‌های توسعه هسته‌ای در این کشور پس از جنگ ۱۹۶۷ تذکر این نکته ضرورت دارد که نیروگاه دیمونا کاملاً بدون نظارت بین‌المللی به کار خود ادامه داده است. چند مقام رسمی و کارشناسان آمریکایی در اوایل دهه ۱۹۶۰ به بازرسی سالانه این تشکیلات پرداختند اما تا سال ۱۹۶۹ به هیچ آمریکایی اجازه داده نشد که بطور کامل این نیروگاه را مورد بازرسی قرار دهد.

در ژوئیه ۱۹۷۰، نیویورک تایمز گزارش داد که دو سال پیش از آن (یعنی در ۱۹۶۸) سیا به کاخ سفید اطلاع داده است که اسرائیل توانایی تولید کلاهک‌های اتمی برای موشک‌های جریکورا دارد. سیا هیچ مدرک قطعی برای اثبات وجود زرادخانه اتمی اسرائیل نداشت، و قضاوتش مبتنی بر قرائن و شواهد ضمنی (از جمله سری‌نگه داشتن نیروگاه دیمونا، بیانیه‌های مسئولان دولتی دال بر اینکه اسرائیل بزودی دارای سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد، قرارداد با شرکت دسالت فرانسوی برای موشک‌های ام‌دی-۶۰ و بالاخره خریداری اورانیوم از شرکتهای خارجی) بود.^۳ در دسامبر ۱۹۷۴، رئیس‌جمهور وقت

منطقه به دلیل آن است که اولاً مایلند خطر رویارویی احتمالی با سلاحهای اتمی اسرائیل را در صحنه نبرد کاهش دهند، و ثانیاً با افزایش قدرت نظامی نسبی خود توانایی تعیین نتیجه جنگهای احتمالی با اسرائیل را داشته باشند. باگذشت زمان، اسرائیلیها با اشاره به برنامههای انرژی اتمی کشورهای منطقه (مانند لیبی، عراق و ایران) سعی در توجیه پندارهای خود داشته‌اند. آنان با مباران و تخریب نیروگاه اتمی عراق در سال ۱۹۸۱، جدیت خود را برای حفظ انحصار خود بر قدرت اتمی در منطقه نشان دادند. در ژوئن همان سال، تحلیلگران سیا به کنگره آمریکا گزارش دادند که اسرائیل دارای ده تا بیست کلاهک اتمی است که به وسیله موشکهای جریکو یا هواپیماهای جنگنده قابل پرتاب است.^{۱۳} دو سال بعد (در سال ۱۹۸۳) افشاء شد که سرویسهای اطلاعاتی آمریکا از ۱۹۶۶ می دانسته‌اند که اسرائیل دارای بمب اتمی است، و در پایان ۱۹۶۹ دولت نیکسون برآورد کرده بود که اسرائیل بین ۱۲ تا ۱۶ کلاهک اتمی قابل استفاده در اختیار دارد.^{۱۴}

فرآیند صلح خاورمیانه در اکتبر ۱۹۹۱ در مادرید آغاز گردید و در ژانویه ۱۹۹۲ در مسکو تصمیم گرفته شد که پنج گروه کاری از جمله «گروه کاری کنترل تسلیحات و امنیت منطقه‌ای» (اکرز)^{۱۵} برای مذاکرات چندجانبه تشکیل شود. از بهار ۱۹۹۵ به بعد، به دلیل اختلافی که بین مصر و اسرائیل بر سر لجاجت تل‌آویو در مورد سیاست عدم امضای معاهده بین‌المللی منع گسترش سلاحهای هسته‌ای پیش آمده گروه «اکرز» در زمینه مسائل هسته‌ای با شکست مواجه شده و تشکیل جلسه رسمی نداده است. یکی از دلایل اصلی این بن‌بست آن است که اسرائیل حاضر نیست تا به نتیجه رسیدن روند صلح هیچگونه محدودیتی را بر توانایی اتمی خود بپذیرد. برخی از اعراب برای ادامه دادن به مذاکرات خود با اسرائیل خواهان وضع چنین محدودیتی هستند. مصر از «اکرز» می‌خواهد که مسئله وجود تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه را موضوع مهمی برای بحث و تصمیم‌گیری فوری بشناسد. قاهره نگران پیامدهای سیاسی و امنیتی اتمی بودن اسرائیل است و باور دارد که توانایی هسته‌ای اسرائیل وضع ناپرابر و بسیار تهدیدکننده‌ای در منطقه ایجاد می‌کند، و خواستار توجه به این اوضاع متزلزل‌کننده در مذاکرات «اکرز» می‌باشد. برعکس، دولت بنیامین نتانیاهو مانند سایر دولتهای صهیونیست از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا امروز، بر این دیدگاه پامی فشارده که سیاست «ابهام هسته‌ای» اسرائیل ناشی از مشکلی عمده‌تر - یعنی فقدان امنیت - در منطقه است. بنا به نظر اسرائیلیها، تنها زمانی مشکل وجود تسلیحات اتمی از بین می‌رود که با ایجاد حس اعتماد متقابل محیط امنیتی جدیدی در خاورمیانه به وجود آمده باشد. از دید تل‌آویو، «اکرز» باید نخست با انتخاب و اجرای اقدامات اعتمادزای همه‌جانبه، و پس از آن متقاعد ساختن کشورهای منطقه به امضای قراردادهای کنترل تسلیحات به کار خود ادامه دهد. در پایان ۱۹۹۵، دولت اسرائیل اعلام کرد که تنها در صورت دستیابی به صلح با تمام کشورهای منطقه (از جمله ایران،

روزنامه ساندی‌تایمز لندن نه فقط برنامه تولید تسلیحات اتمی در اسرائیل را فاش کرد، بلکه نخستین مدرک تردیدناپذیری بود که نشان می‌داد این کشور تا آن تاریخ ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک اتمی تولید کرده است.^{۱۶} گزارش ونونو برپایه نه سال سابقه کار وی در نیروگاه دیمونا به عنوان یک تکنسین، و تصاویری استوار بود که خود او از داخل این کارخانه تولید بمب اتمی گرفته بود. ساعاتی پس از مصاحبه با خبرنگاران انگلیسی، ونونو با نقشه و نیرنگ مأموران موساد درمربوده و به اسرائیل بازگردانده شد. او در محاکمه‌ای سرری به هیجده سال حبس انفرادی به جرم خیانت و جاسوسی محکوم گردید. وی سه بار نامزد جایزه صلح نوبل شده است و گروهی از طرفداران خلع سلاح اتمی و حقوق بشر در سراسر دنیا در تلاشند تا تل‌آویو را وادار به عفو وی نمایند. اما سرنوشت این فرد در آمریکا نیز مانند اسرائیل همچون خود بمب اتمی اسرائیل بدون بازتاب مانده و تقریباً به دست فراموشی سپرده شده است.^{۱۷} اتمی بودن اسرائیل بارها مورد تأیید قرار گرفته است، از جمله در کتابی تحت عنوان «راه حل سامسون» که به قلم سیمورهرش گزارشگر پژوهشی روزنامه نیویورک تایمز در ۱۹۹۰ به رشته تحریر درآمده است. این کتاب نام خود را از قهرمان تورات سامسون گرفته است که معبد یهودیان را ویران کرد تا به دست دشمنان اسرائیل نیفتد. هرش تاریخچه توسعه بمب اتمی در اسرائیل را به خوبی توصیف کرده و نشان داده است که چگونه تمام رؤسای جمهور آمریکا از زمان آیزنهاور به رغم اطلاع از جاه‌طلبیها و نقشه‌های اتمی اسرائیل، به دلایل سیاسی آن را نادیده گرفته‌اند.^{۱۸}

ساموئل دی، ناشر پیشین بولتن دانشمندان اتمی و طرفدار کنترل تسلیحات می‌نویسد:

در اسرائیل، واقعیت وجود زرادخانه اتمی با سکوت دولت، قوانین سخت امنیت ملی، سانسور و رازداری که در آن بسیاری از اسرائیلیها مشارکت دارند، مخفی نگه داشته شده است. بسیاری از آمریکاییها نیز، چه در مقام رسمی و چه در نقش شهروند عادی، در این توطئه شرکت کرده‌اند. به رغم شواهد غیرقابل انکار، پشتیبان بین‌المللی اصلی اسرائیل (یعنی دولت آمریکا) به پذیرفتن قول دروغ و اغفال‌کننده همیمانانش دایر بر اینکه «اسرائیل اولین کشوری نخواهد بود که سلاحهای اتمی را وارد منطقه نماید» ادامه می‌دهد.^{۱۹}

رئیس سابق کمیته انرژی اتمی اسرائیل، فرییر (Freier) دیدگاه دولت متبوع خود را چنین بیان می‌دارد: با وجود این که اسرائیلیها گسترش تسلیحات غیرمتعارف را به خودی خود پدیده نامطلوبی می‌دانند اما این کشور تن به امضای معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و قبول بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نخواهد داد. تعجبی ندارد که کشورهای عرب و سایر کشورهای خاورمیانه (از جمله ایران) در کلیه مجامع بین‌المللی، بر خلع سلاح اتمی اسرائیل اصرار ورزیده و مشتاقانه با پیشنهادهایی که برای از بین بردن توانایی نظامی هسته‌ای تمام کشورهای منطقه مطرح می‌شود (مانند پیشنهاد تشکیل منطقه عاری از تسلیحات اتمی در خاورمیانه) موافقت کرده‌اند. اسرائیلیها می‌پندارند که اصرار اعراب و ایران بر غیر اتمی شدن

صلح با لبنان و سوریه امضاء کند. در آن زمان، اظهارات پرز بسیار شبیه اقرار رسمی و علنی به اتمی بودن اسرائیل بود. وی بیان داشت که: «پس از فرارسیدن صلح، ما در خاورمیانه ای عاری از تسلیحات اتمی زندگی خواهیم کرد.»^{۱۸}

در حال حاضر، مراکز اتمی اسرائیل در داخل مثلثی قرار دارد که قاعده آن طول ساحل مدیترانه و رأس آن بیت المقدس است، غیر از نیروگاه دیمونا که در مناطق شمالی بیابان نقب قرار دارد و سالانه ۸۸ بوند پلوتونیوم غنی شده (کافی برای تولید ده بمب) تولید می کند. تشکیلات هسته ای اسرائیل دو کارخانه تسلیحات یکی در حیفا واقع در شمال، و دیگری در یودفات (Yodfat)، انباری برای سلاحهای اتمی تاکتیکی در ایلابون (Eilabun)، کارخانه ای زیرزمینی در بشریاکوو (Béer Yakov) برای ساخت موشکهای بالستیک جریکو - ۲ قادر به حمل کلاهکهای اتمی، نیروگاه اتمی ۵ مگاواتی تحقیقاتی در نهال سورق (Nahal Soreq) در کنار ساحل در جنوب تل آویو برای طراحی تسلیحات اتمی و تعدادی آزمایشگاه تسلیحات اتمی، یک مرکز آزمایش موشکهای اتمی در پالمیکین (Palmikin) در نزدیکی مجموعه نهال سورق در جنوب تل آویورا شامل می شود (بنگرید به جدول ۱). یکی از مراکز تحت نظارت رافائل (سازمان دولتی توسعه تسلیحات) برای طراحی و ساخت بمب اتمی، شعبه بیست (Division 20) در حومه حیفاست. در نزدیکی آن نیز آزمایشگاه توسعه موشک موسوم به شعبه ۴۸ (Division 48) قرار دارد. از انستیتوی ملی علوم (تکنیون) در تل آویو نیز برای پژوهشهای نظامی اتمی استفاده می شود. مراکز مستحکم شده فرماندهی و نظارت در زیر شهر تل آویو و در زیرزمین پایگاه هوایی نواتیم (Nevatim) در حاشیه نقب قرار دارد. در بین حساسترین مراکز اتمی اسرائیل، انبارهای مستحکم شده در پایگاه هوایی تل نوف (Tel Nof) در حوالی ریهووت (Rehovot) و در زمینهای اطراف آن است که برای مخفی کردن موشکهای جریکو در تپه های یهود در غرب شهر زاخاریا (Zakhariya) ایجاد شده است. در این انبارها حدود هفتاد بمب اتمی برای پرتاب توسط «اسکادران سیاه» (واحد بمب افکنهای اف - ۱۶ مستقر در پایگاه های زیرزمینی که همواره در حالت آماده باش کامل هستند) نگهداری می شود. در سال ۱۹۹۳ حتی در تصاویر به دست آمده از ماهواره های تجاری تا ۵۰ موشک جریکو (شامل جریکو - یک با برد ۷۰۰ مایل و جریکو - دو با برد ۱۱۰۰ مایل) در این مکان ها قابل رؤیت بود. محل مهم دیگری برای نگهداری بمب اتمی، در نزدیکی دهکده تیروش (Tirosh)، سرراه جاده ۳۰۲ در جنوب تقاطع خط آهن بیت المقدس - تل آویو و یکی از اصلی ترین اتوبانهای شمال - جنوب اسرائیل قرار دارد. این مکان در فاصله پنج دقیقه ای با «اسکادران سیاه» قرار گرفته است. غیر از این موشکهای مستقر شده در زمین و اسکادرانهای سیاه که همواره آماده پرتاب بمب های اتمی از هوا هستند اسرائیل در صدد است به دو زیردریایی با توان حمل موشکهای کروز دست یابد تا بدین ترتیب توانایی پرتاب جنگ افزارهای اتمی از دریا را هم به دست آورد.

○ انحصار اتمی در خاورمیانه، لزوماً برای اسرائیل امنیت به ارمغان نمی آورد. حتی اگر اسرائیل به عنوان تنها قدرت اتمی در منطقه سیاست بازدارندگی آشکار را برگزیند، این وضع ممکن است تأثیر بازدارنده ای بر حملات کوچک به اسرائیل یا منافع آن کشور در دیگر نقاط جهان نداشته باشد.

○ حمله اتمی اسرائیل می تواند نه تنها بر ساکنان قلمروی دشمن اثرات منفی فیزیکی و بیولوژیک گذارد، بلکه می تواند به خود اسرائیل نیز آسیب وارد آورد. باتوجه به پیامدهای انفجار اتمی، پذیرفتنی است که زیانهای ناشی از فروریزش غبارهای اتمی بر شهرهای اسرائیل بیش از مزایای چنین ضربه های اتمی باشد.

عراق و لیبی که در حال حاضر در فرآیند صلح حضور ندارند)، معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای را امضا خواهد کرد. ۱۶ چند ماه پیش از آغاز مذاکرات مربوط به تمدید این معاهده، بیشتر کشورهای عربی به اسرائیل فشار می آوردند که به این معاهده بپیوندند. تحسین بشیر معتقد بود که اگر برنامه تسلیحات اتمی اسرائیل واقعاً جنبه دفاعی دارد، تل آویو می تواند به داشتن ده بمب اتمی اعتراف کند و تعهد نماید که زرادخانه هسته ای خود را تقویت نکند. یکی دیگر از مشاوران حسنی مبارک، ائامه الباز چنین گفت: «بسیاری از کشورهای عرب بر این باورند که اگر اعراب خود را به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای متعهد سازند و اسرائیل در زمینه مؤثرترین سلاحها غیرمتعهد باقی بماند، وضع حاصل هم غیرمنصفانه و هم بی ثبات خواهد بود.»^{۱۷}

در همین دوران، ویلیام پری وزیر امور خارجه آمریکا به مصر و اسرائیل سفر کرد. وی در دیدار خود از قاهره، تهدید کشور تروریستی و یاغی مسلح به تسلیحات اتمی را بزرگترین تهدید امنیتی در جهان معاصر خواند. پری در اسرائیل همراه اسحاق رابین در مصاحبه ای مطبوعاتی شرکت کرد و موافقت خود را با این اندیشه که ایران ظرف ۷ تا ۱۵ سال آینده قادر به کسب توانایی اتمی خواهد بود اعلام کرد. جالب آنکه وی هیچ اشاره ای به بمبهای اتمی اسرائیل نکرد، و از جانب واشینگتن خواستار الحاق اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای نشد.

در دسامبر ۱۹۹۵، شیمون پرز و حسنی مبارک در مذاکرات خود به این نتیجه رسیدند که مصر از پافشاری بر غیر اتمی شدن فوری اسرائیل دست بردارد و در عوض اسرائیل متعهد شود که معاهده ای برای ایجاد منطقه عاری از تسلیحات اتمی در خاورمیانه یک سال پس از

می‌گردد. این بمب‌های اتمی، مورد آزمایش قرار گرفته، روی موشکها سوار شده، و به سمت هدفهایی حتی تا قلمروی شوروی سابق نیز نشانه‌گیری شده است. دو سال پیش از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، اسرائیلیها دارای قدرت اتمی بودند. در ۲۶ مه ۱۹۶۷، دو هواپیمای میگ - ۲۱ مصری در ارتفاع ۵۲۰۰۰ فوتی بر فراز دیمونا به پرواز درآمد و تلاش اسرائیلی‌ها برای سرنگون کردن این جنگنده‌ها با موشکهای زمین - به هوا و هوا - به هوا شکست خورد. در آن هنگام، نخست‌وزیر لوی اشکول دستور آماده‌سازی دو بمب اتمی را (که نخستین سلاحهای هسته‌ای اسرائیل بود) صادر کرد. ده روز بعد که در آغاز جنگ شش روزه هواپیماهای اسرائیلی بر فراز صحرای سینا به پرواز درآمدند، بمب‌ها آماده استفاده در صحنه نبرد خاورمیانه بود. در جنگ ۱۹۷۳، اسرائیل دارای ۲۰ بمب اتمی بود، و در ۱۹۸۵ حدود صد بمب^{۲۱} و در ۱۹۹۶ بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ سلاح اتمی در اختیار داشت. تردیدی وجود ندارد که رژیم صهیونیستی مهارت فنی، تکنولوژی لازم، ذخایر اورانیوم طبیعی و زیرساخت‌های لازم برای تولید تسلیحات هسته‌ای در اختیار دارد. مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک گزارش می‌کند که «به اعتقاد عموم کارشناسان، اسرائیل دارای قدرت هسته‌ای بالغ بر ۱۰۰ کلاهک اتمی است. سیستم‌های پرتاب این کلاهکها شامل موشک زمین به زمین جریکو - یک (با برد بالغ بر ۵۰۰ کیلومتر)، جریکو - ده (بالغ بر ۱۵۰۰ کیلومتر که در سالهای ۸۹-۱۹۸۷ مورد آزمایش قرار گرفت) و موشک لنس می‌باشد»^{۲۲} تعداد دقیق سلاحهای اتمی اسرائیل مشخص نیست و در منابع گوناگون رقمی بین ۵۰ تا ۲۰۰ ذکر شده است. به هر حال، می‌توان پذیرفت که کمتر از ۵/۰ درصد از بیش از بیست هزار سلاح اتمی که در زرادخانه‌های فعال کشورهای اتمی وجود دارد در دست اسرائیل است (بنگرید به جدول ۲).

آیا اسرائیل برای بازدارندگی موفق، به چند سلاح اتمی نیاز دارد؟ مک نامارا در ۱۹۸۵ بیان داشت که شوروی و آمریکا برای بازدارندگی دوجانبه به جای ۵۰۰۰۰ سلاح اتمی که در آن زمان در اختیار داشتند، تنها کافی است ۲۰۰۰ کلاهک اتمی داشته باشند. در ۱۹۹۲، وی تعداد کلاهک‌های اتمی مورد نیاز آمریکا را به شصت کلاهک تقلیل داد. والتز معتقد است کشوری که دارای حدود صد کلاهک اتمی استراتژیک باشد قادر به بازدارندگی حمله اتمی دشمنان خود خواهد بود.^{۲۳} قدر مسلم آن است که گام بعدی اسرائیل در جهت افزایش کیفی توانایی اتمی و دستیابی به سلاحهای هسته‌ای استراتژیک (با برد بلند) خواهد بود. این کشور به علت علاقه به آشکار نکردن تسلیحات انهدام جمعی خود، نمی‌تواند به سهولت زرادخانه خود را از لحاظ کمی گسترش دهد.

در اوایل ماه مه آینده، از مرکز فضایی اروپا در کورو (Kourou) واقع در گینه فرانسه ماهواره ارتباطی ۳۵۰ میلیون دلاری اسرائیلی اموس - ۱ (Amos-1) به وسیله موشک آریان - ۴ فرانسه به مدار زمین ارسال خواهد شد. این ماهواره که قرار است به مدت ۱۰ تا ۱۱ سال در مدار باقی بماند، طبق ادعای مقامات صنایع هواپیماسازی اسرائیل برای استفاده غیرنظامی طراحی شده است. اما این نگرانی وجود دارد که

این مراکز تحت مراقبت شدید نیروهای نظامی اسرائیل، رادارها و سیستم‌های ردیابی الکترونیکی قرار دارد. پرواز تمام هواپیماها حتی هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل بر فراز دیمونا ممنوع است. در طول جنگ شش روزه ۱۹۶۷، یک هواپیمای میراز - ۳ اسرائیلی که خلبانش به خطا یا در اثر بروز اشکال فنی به مرز هوایی دیمونا تجاوز کرده بود، مورد اصابت آتش خودی قرار گرفت و سقوط کرد. در فوریه ۱۹۷۳، یک هواپیمای خطوط هوایی لیبی توسط موشک اسرائیلی منهدم شد و ۱۰۸ نفر از ۱۱۳ سرنشین آن جان باختند. اسرائیل ادعا کرد که این هواپیما به سمت دیمونا در حرکت بوده است.^{۱۹}

جدول ۱

مکان و عملکرد برنامه اتمی اسرائیل

- ایلابون (انبار اسلحه در گالیله شرقی): محل انبار سلاحهای اتمی تاکتیکی.
- بنر یا کوو (کارخانه تولید تسلیحات): محل ساخت موشکهای جریکو - ۲ قادر به حمل کلاهکهای اتمی
- بالمیکین (جنوب تل‌آویو): محل آزمایش موشکهای با توانایی اتمی.
- حیفا: دو کارخانه اسید فسفریک قادر به تولید «کیک زرد» (Yellow Cake). این کارخانه‌ها همراه با کارخانه سومی در جنوب اسرائیل توانایی تولید ۱۰۰ تن از این ماده را دارد. ذخایر فسفات در بیابان نقب نزدیک به بنر شعبا (Beersheba) مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. طبق برآوردها بین ۳۰-۶۰ تن ذخایر اورانیوم برای غنی‌سازی در دسترس است.
- دیمونا (نیروگاه اتمی در نقب): پلوتونیوم غنی شده برای ساخت بمب اتمی تولید می‌کند. این نیروگاه ۴۰ یا ۷۰ یا ۱۵۰ مگاواتی که با آب سنگین / اورانیوم طبیعی کار می‌کند، در ۱۹۶۳ با کمک فرانسه راه‌اندازی شد و آب سنگین و مواد سوختی آن از آرژانتین، اسرائیل، نروژ، نیجر، آفریقای جنوبی، جمهوری آفریقای مرکزی، بلژیک، فرانسه و گابون تأمین شده است. در این نیروگاه از حدود سال ۱۹۶۶ به بعد احتمالاً سالانه ۱۵ تا ۴۰ کیلوگرم پلوتونیوم بازآوری شده است.
- ریهوت (مرکز تولید آب سنگین در جنوب تل‌آویو): احتمالاً در ۱۹۵۴ توسط اسرائیلی‌ها راه‌اندازی شده است.
- کفار زاخاریا (Kefar Zakharya) (انبار تسلیحات): محل نگهداری حداقل ۵۰ موشک جریکو - ۲ با کلاهکهای اتمی در بانک‌های زیرزمینی.
- نهال سورق (نیروگاه اتمی تحقیقاتی جنوب تل‌آویو برای طراحی تسلیحات اتمی): این نیروگاه ۵ مگاواتی با آب سبک / اورانیوم غنی شده کار می‌کند و در ۱۹۶۰ از آمریکا خریداری شده و تا ۱۹۷۷ طبق قراردادی مواد سوختی لازم از این کشور تأمین می‌گردیده است.
- بودفات (کارخانه تسلیحاتی): قطعات سلاحهای اتمی را سوار یا پیاده می‌کند.*

توانایی اتمی فعلی اسرائیل

از دهه ۱۹۶۰، کلاهکهای هسته‌ای اسرائیل با استفاده از مواد اتمی به دست آمده از نیروگاه اتمی دیمونا و کارخانه احیاء مجدد پلوتونیوم که هر دو به کمک فرانسویها در بیابان نقب ساخته شده، تولید

جدول ۲

جنگ افزارهای اتمی موجود در زرادخانه های کشورهای اتمی
در اوایل ۱۹۹۶

کشور	کلاهکهای استراتژیک* تاکتیکی*	کلاهکهای کل سلاحهای اتمی	کل سلاحهای اتمی %
آمریکا	۷۹۴۷	۱۱۵۰	۹۰۹۷
روسیه	۷۲۳۵	۴۰۰	۱۱۲۳۵
فرانسه	—	—	۵۰۰
چین	۳۰۰	۱۵۰	۴۵۰
انگلستان	—	—	۳۰۰
اسرائیل	—	—	۱۰۰
مجموع	—	—	۲۱۶۸۲

منبع: براساس آمار سالنامه سپری ۱۹۹۶. البته در ۱۹۷۴، هندوستان اقدام به آزمایش اتمی کرد و به طور رسمی به عضویت باشگاه اتمی درآمد. در حال حاضر تعداد سلاحهای اتمی در اختیار این کشور آسیایی بین ۴۰ تا ۶۰ عدد برآورد می شود اما در امار بالا، ذکر نشده است.**

دولت اسرائیل تاکنون معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای را امضاء نکرده است و همچنان مخفیانه سیاست اتمی خود را دنبال می کند. جالب توجه آنکه این رازی است که همگان از آن مطلع هستند و مدافعان سرسخت غیر اتمی بودن و غیر اتمی شدن (به ویژه آمریکا، روسیه و سایر اعضای باشگاه اتمی) در صدد برملا کردن آن و اعمال فشار بر اسرائیل برای تغییر سیاستش نیستند حال آنکه این مسئله باید از عوامل عدم ثبات امنیت منطقه ای به شمار آید. برعکس، تحت تأثیر تبلیغات صهیونیست ها سایر کشورهای منطقه (به خصوص ایران و عراق) زیر فشارهای مداوم و فزاینده هستند، گرچه کشور ما تحت پوشش بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دارد. آرونسون (Aronson) از جمله افرادی است که معتقدند احتمال وقوع جنگ اتمی در خاورمیانه مسئله اتمی شدن منطقه را نه تنها در قلب روابط اسرائیل و آمریکا قرار داده بلکه سبب عزم راسخ اسرائیل برای حفظ برتری هسته ای خود در منطقه شده است. حتی در ژوئن ۱۹۸۱، اسرائیل آشکارا عزم خود را دایر بر جلوگیری از اتمی شدن کشور دیگری در منطقه خاورمیانه به نمایش گذارد. اقدام به بمباران نیروگاه اتمی عراق که با کمک مهندسان فرانسوی در ۲۰ مایلی بغداد احداث شده بود، مورد اعتراض جدی کشورهای اتمی قرار نگرفت. این حمله «پیشگیرانه» اسرائیل برنامه های عراق را برای تبدیل شدن به یک قدرت اتمی متوقف نساخت و تنها آن را به تعویق انداخت. در واقع، عراق در پی بمباران و ویرانی نیروگاه اوزیراک، بر تلاش های خود برای دستیابی به بمب اتمی افزود و تنها مخفیانه تر عمل نمود و برنامه توسعه نظامی اتمی ملی خود را در گوشه و کنار خاک خود پراکنده ساخت. هدف رهبران عراق برای دستیابی به بمب اتمی احتمالاً بازداشتن اسرائیل از یک حمله پیشگیرانه بالقوه (مشابه بمباران ۱۹۸۱ نیروگاه اتمی عراق) بود. در جنگ خلیج فارس که عراق موشکهای اسکاد

○ باتوجه به سکوت محافل بین المللی و یکدست نبودن سیاستهای کشورهای منطقه که به معنی وارد نیامدن فشارهای رسمی خارجی مؤثر بر اسرائیل برای پذیرش رژیم عدم گسترش جنگ افزارهای اتمی بوده است، شگفتی آور نیست که اسرائیل سیاست «ابهام عمدی» را ادامه دهد.

○ آینده خاورمیانه در گروی توجه به تهدید امنیتی ناشی از وجود جنگ افزارهای مخصوص کشتار جمعی در منطقه است. تنها در صورت ایجاد یک رژیم امنیتی باثبات می توان به پیشرفت اقتصادی پایدار دست یافت.

○ آیا برقراری صلح یا جلوگیری از جنگ باید در گروی هراس از انهدام جمعی و غیرقابل تبعیض و همراه با انباشت پرهزینه جنگ افزارهای غیرمتعارف باشد، آنهم به این امید که هدف از این گونه تسلیحات تنها بازدارندگی باشد و هیچ گاه در صحنه جنگ به کار نرود؟

برنامه ماهواره ای اسرائیل بخشی از طرح ایجاد سپر دفاعی ضد موشکی این کشور بویژه برای سیستم موشک های ضد بالستیک تاکتیکی ارو - ۲ (Aroow-2) باشد که به عنوان سیستم دفاعی صحنه نبرد به طور مشترک توسط آمریکا و اسرائیل تأمین شده است. در ۵ آوریل ۱۹۹۵، اسرائیل ماهواره افق - ۳ (Ofeq-3) را که قادر به عکسبرداری دقیق از سطح زمین است، به فضا ارسال کرد. این ماهواره در ارتفاع ۵۰۰ کیلومتری، قلمروی ایران، عراق و سوریه را نیز که از دشمنان یا رقبای اسرائیل به شمار می آیند تحت پوشش خواهد گرفت. گرچه به ادعای مقامات اسرائیلی، این ماهواره برای خدمات منطقه ای و داخلی از جمله پخش برنامه های رادیو و تلویزیون در نظر گرفته شده است، اما کاملاً احتمال دارد که برای استراق سمع از شبکه های ارتباطاتی ایران و اعراب نیز به کار رود. بنا به نظر کارشناسان اسرائیلی، این کشور دست کم به سه یا چهار ماهواره در مدارهای کم ارتفاع از سطح زمین نیاز دارد تا بتواند بیست و چهار ساعته به دیدبانی و مراقبت فضایی خاورمیانه بپردازد. ۲۳ با پرتاب ماهواره های افق - ۱ و ماهواره های اموس به نظر می آید که اسرائیل در پی دستیابی به توانایی پرتاب موشک های با برد بلند است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا برای گفتگو در مورد ایجاد خاورمیانه ای عاری از سلاحهای اتمی و کنترل تسلیحات کشتار جمعی باید به انتظار نشست تا اسرائیل توانایی اتمی استراتژیک به دست آورد، یا تصمیم بگیرد که بمبهای اتمی خود را آشکار سازد؟

سلاح‌های هسته‌ای در بهار ۱۹۹۵، فشار اعراب بر اسرائیل برای ملحق شدن به این معاهده افزایش یافت. برخی از اعراب پشتیبانی از تمدید نامحدود این معاهده را منوط به الحاق اسرائیل دانستند ولی اسرائیل (با مساعدت آمریکا) تسلیم این فشارها نشد. صهیونیست‌ها به نوبه خود اصرار داشتند که نخست اعراب با اسرائیل صلح کنند و پس از انعقاد قرارداد صلح و برقراری روابط عادی، منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای ایجاد شود، نه اینکه به دنبال الحاق اسرائیل به معاهده مورد بحث (و تعطیل شدن فعالیتهای نظامی اتمی در دیمونا و سایر مراکز تولید تسلیحات اتمی آن کشور) چنین منطقه‌ای به وجود آید.^{۲۶}

دیدگاه‌های استراتژیک رایج در اسرائیل

در اسرائیل سه دیدگاه عمده در مورد آینده روابط و توازن قدرت استراتژیک در خاورمیانه شکل گرفته است. در ادامه، بر مبنای آنچه نویسنده شخصاً در منابع گسترده مطالعه کرده و در سمینارها و کنفرانسهای مختلف بحث آن را شاهد بوده است فرضیه‌های اصلی این دیدگاه‌های کلی در مورد سیاست هسته‌ای شدن اسرائیل روشن می‌گردد. در زیر، استدلال‌های دودیدگاه موافق اتمی بودن اسرائیل که یکی طرفدار استراتژی فعلی «ابهام هسته‌ای»، و دیگری موافق استراتژی بازدارندگی هسته‌ای آشکار است، و دیدگاه سومی که کاملاً مخالف اتمی بودن اسرائیل و هوادار خلع سلاح اتمی این کشور است ارائه می‌شود.

● اتمی شدن منطقه خاورمیانه غیرقابل اجتناب است و اسرائیل باید بر استراتژی آشکار بازدارندگی هسته‌ای تکیه کند. در این دیدگاه، فرض اصلی آن است که انحصار اتمی اسرائیل برای این کشور و منطقه ثبات و امنیت به بار می‌آورد و این کشور می‌تواند با استفاده از برتری استراتژیک خود از یک موضع قدرتمند، با اعراب وارد مذاکره شود. سلاحهای اتمی می‌تواند از طریق بازدارندگی دو جانبه، صلح و ثبات را برای خاورمیانه به ارمغان آورد.^{۲۷} از آنجا که میل و اراده دفاع از وطن بیش از میل و اراده تسخیر کشوری دیگر است، هیچ حمله اتمی به اسرائیل صورت نخواهد گرفت. پای بندی اسرائیل به حفظ تمامیت ارضی و حراست از مرزوبوم خود، همیشه بیش از پای بندی دشمنان و مخالفان به نابودی اسرائیل است، و در نتیجه بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل موفق خواهد بود.^{۲۸} اسرائیل آسیب پذیر است؛ بیش از نیمی از جمعیت این کشور در شعاع ۱۲۰ مایلی مرکز تل‌آویو زندگی می‌کنند. بنا به نظر یوهان راماتی (Yuhan Ramati) مدیر انستیتوی بیت المقدس برای دفاع غربی، یک بمب با کلاهک اتمی ۱/۴۵ مگاتنی به تنهایی می‌تواند اسرائیل را نابود سازد.^{۲۹} برز، راماتی را خیلی خوش بین می‌داند. به عقیده او دشمنان اسرائیل می‌توانند حتی با یک سلاح اتمی با قدرت تخریب یک مگاتن هم اسرائیل را منهدم کنند. بنابراین، تل‌آویو باید استراتژی‌ای را برگزیند که بطور مؤثر مانع از هرگونه استفاده از سلاحهای اتمی برضد اسرائیل گردد.^{۳۰} اگر دشمنان دولت اسرائیل

(Scud) خود را به هدف‌هایی در خاک اسرائیل پرتاب کرد، آمریکا سیاستی تبعیض‌آمیز نسبت به حق اسرائیل برای اقدام به حملات تلافی‌جویانه با تسلیحات غیر متعارف در جهت پاسخگویی به حملات شیمیایی عراق در پیش گرفت، هرچند بطور محرمانه به دولت شامیر عدم مداخله در جنگ را توصیه کرد. هدف واشینگتن این بود که اسرائیل را از صحنه نبرد دور نگه دارد و مانع از اوج‌گیری این جنگ و استفاده اسرائیلی‌ها از سلاحهای اتمی گردد. بی‌شک، اعراب در برابر حملات دولت صهیونیستی به کشور عراق ساکت نمی‌مانند. دولت بوش سعی در متقاعد نمودن تل‌آویو داشت تا به رهبری جنگ توسط آمریکایی‌ها و جدیت نیروهای متحد برای مقابله با صدام حسین اعتماد کند. این فرضیه هم بیان شده است که وجود یک کشور اتمی در منطقه به جای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی، باعث افزایش رقابت نظامی در منطقه خواهد شد. از دیدگاه اسرائیلی‌ها، سیاست آمریکا برای جلوگیری از جنگی غیر متعارف در خاورمیانه نگران‌کننده تلقی می‌شود. احتمال دارد که دولت آمریکا گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای در منطقه را تهدیدی برای ثبات منطقه و دنیا تلقی کند و اسرائیل را زیر فشار بگذارد تا به خلع سلاح اتمی تن در دهد. تنش‌های آینده در این زمینه غیر قابل اجتناب خواهد بود.

واقعیت فعلی آن است که اسرائیل نه تنها خود را به این گونه جنگ‌افزارها مجهز نموده بلکه استراتژی‌های مناسبی نیز برای جنگهای غیر متعارف آینده در نظر گرفته است. آن دولت نه تنها بیش از دو بیست بمب اتمی در اختیار دارد^{۳۱} بلکه سیاستمداران اسرائیلی بر این باورند که می‌توانند در جنگی اتمی به پیروزی برسند و جان سالم به در برند. به نظر می‌رسد که برجسته‌ترین مقامات اسرائیل طرفدار پروپاقرص حفظ توانایی اتمی اسرائیل باشند. پدر واقعی زرادخانه هسته‌ای اسرائیل شیمون پرز است که به عنوان مدیر کل وزارت دفاع در اواخر دهه ۱۹۵۰ برای خرید نیروگاه دیمونا وارد مذاکره شد و بر احداث آن نظارت کرد. وی همچنین نظارت بر ایجاد آژانس سری خرید و دستیابی به تکنولوژی و مواد اتمی لاکام (Lakam) را برعهده داشت. این پرز بود که در اواسط سال ۱۹۷۰ در مقام وزیر دفاع، همکاری اتمی اسرائیل و آفریقای جنوبی را هدایت کرد. در نوامبر ۱۹۹۱، شامیر نخست‌وزیر سابق این کشور مدعی شد که اسرائیل تحت محاصره ملتهای دشمنی قرار دارد که «همه آنان ظالم و دیکتاتورند... و درگیر مسابقه‌ای تسلیحاتی برای دستیابی به بیشترین و جدیدترین جنگ‌افزارهای متعارف و غیر متعارف می‌باشند.» وزیر دفاع آن کشور موشه آرنز نیز بیان داشت: «کشورهای خاورمیانه به سوی عصر تسلیحات اتمی پیش می‌روند، (و) اسرائیل باید برای این دوران از لحاظ نظامی آمادگی پیدا کند.» بسیاری دیگر از سیاستمداران اسرائیلی نیز بر این باورند که از دست دادن برتری اتمی برای اسرائیل خطرناک خواهد بود. آنان بویژه از پیشرفت توانایی هسته‌ای ایران در اواخر این دهه ابراز نگرانی شدید می‌کنند.

با نزدیک شدن زمان برگزاری کنفرانس تمدید معاهده منع گسترش

مگر اینکه دارای تسلیحات هسته‌ای باشد. یعنی بدون سلاح‌های اتمی به جنگ با آمریکا نروید.^{۳۱} بدین ترتیب روشن است که زرادخانه هسته‌ای اسرائیل برای دولت آمریکا تهدیدی امنیتی تلقی نمی‌شود، اما کسب همین توانایی نظامی تقریباً توسط هر کشور غیر اتمی دیگری با مخالفت و واکنش شدید واشینگتن روبرو خواهد شد.

● سلاح‌های اتمی، دولت‌ها را محتاط‌تر خواهد کرد. آشکارسازی زرادخانه اتمی اسرائیل باعث تغییر رفتار سیاست خارجی همسایگانش در قبال آن کشور می‌شود. باید پرسید که آیا مصر، سوریه، یا سایر کشورهای خاورمیانه جان مردم خود را در معرض خطر بمب‌های اسرائیلی قرار خواهند داد؟ تقریباً یک چهارم از مردم مصر در چهار شهر قاهره، اسکندریه، جیزه و شبره‌الخیمه زندگی می‌کنند. بیش از یک سوم از مردم سوریه در دمشق، حلب و حمص به سر می‌برند. چه دولتی حاضر خواهد شد که جان چنین درصدی از جمعیت کشور به مخاطره افتد، فقط برای اینکه اسرائیل را نابود سازد؟

● اگر اسرائیل دکترین استراتژیک بازدارندگی هسته‌ای آشکار و رسمی را برگزیند، احتمال گسترش تسلیحات اتمی در منطقه بیشتر می‌شود. فرض این دیدگاه آن است که دولت‌ها اگر رقیب نظامی آنها زرادخانه اتمی داشته باشد تصمیم به اتمی شدن خواهند گرفت. با اعلام رسمی حمایت از رژیم بین‌المللی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، اسرائیل می‌تواند از اتمی شدن خاورمیانه جلوگیری کند و قبل از این که دیر شود مانع از روی کار آمدن قدرت هسته‌ای دیگری در منطقه گردد. پاچاک^{۳۲} اظهار می‌دارد که آشکار شدن برنامه نظامی اتمی اسرائیل به تحریک اعراب منجر می‌شود، و احتمالاً بر روابط اسرائیل و آمریکا نیز تأثیر منفی خواهد گذارد.

انحصار اتمی در خاورمیانه ضرورتاً برای اسرائیل امنیت به ارمغان نمی‌آورد. حتی اگر اسرائیل به عنوان تنها قدرت اتمی در منطقه سیاست بازدارندگی هسته‌ای آشکار را برگزیند، این وضع ممکن است هیچ تأثیر بازدارنده‌ای بر حملات کوچک به اسرائیل یا حمله به منافع آن کشور در سایر نقاط دنیا نداشته باشد زیرا طرف متخاصم (چه دولتی و چه غیر دولتی) باور دارد که اسرائیل تحت هیچ شرایطی مگر تهدیدکننده‌ترین شرایطی که بقای این دولت را به مخاطره افکند اراده و آمادگی استفاده از نیروهای اتمی را نخواهد داشت.^{۳۳}

ممکن است دشمنان غیر اتمی اسرائیل دارای سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و بیولوژیک و سایر سلاح‌های بسیار کشنده نابودی جمعی باشند و حتی پس از یک حمله اتمی اسرائیل بتوانند با هدف قرار دادن شهرهای اسرائیلی مردم آن کشور را با حملات انتقامجویانه شیمیایی یا بیولوژیک به هلاکت رسانند. در چنین شرایطی که حملات به اسرائیل پاسخهای تلافی‌جویانه به ضربه‌های اتمی اسرائیل است، افکار عمومی بین‌المللی به زیان اسرائیل و به نفع طرف مخالف شکل می‌گیرد.

حملات اتمی اسرائیل می‌تواند نه فقط بر مردم قلمروی دشمن اثرات منفی بیولوژیک و فیزیکی گذارد، بلکه خصوصاً اگر تل‌آویو از

○ بازدارندگی نه تنها موفق‌ترین استراتژی برای مبارزه با پی‌ثباتی و ناامنی در جهان نیست، بلکه اصولاً مسلم نیست که این استراتژی در همه موارد سیاسی و نظامی ضروری باشد. گذشته از این، استراتژی بازدارندگی هسته‌ای شاید به مسابقه تسلیحاتی نابرابرتری میان ملت‌ها بینجامد.

○ تأکید بر استراتژی بازدارندگی و جبر هسته‌ای از سوی تصمیم‌گیران در کشورهای بزرگ، در واقع کشورهای کوچکتر و غیر اتمی را به هوس اتمی شدن می‌اندازد. کاربرد این گونه جنگ‌افزارها در مناطق جنگ‌زده و بحران‌زا می‌تواند برای کشورهای درگیر و کشورهای بیطرف به یک اندازه ویرانگر و نامطلوب باشد.

بدانند که حمله اتمی به قلمروی این کشور به بهای انهدام کامل ملت و قلمروی خودشان تمام خواهد شد، از چنین حمله‌ای منصرف خواهند گردید.

در این خصوص، ژنرال یهودباراک (Ehud Barak) رئیس کل ستاد ارتش اسرائیل مدعی شده است که تلاش کشورهای مانند ایران، لیبی، عراق و پاکستان برای کسب توانایی نظامی اتمی بسیار مشکل‌ساز خواهد بود. در ۱۹۹۲، اسحاق رابین (نخست‌وزیر وقت اسرائیل) بیان داشت که دولت‌ها با همکاری قدرت‌های بزرگ باید توجه خود را به احتمال دستیابی دشمنان اسرائیل به سلاح هسته‌ای معطوف سازد و از اتمی شدن آنها به هر قیمت جلوگیری کند. بر طبق گزارش‌های روزنامه واشینگتن پست نقشه‌هایی پنهانی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط سیا تدوین شده و به تصویب رسیده است. جالب آنکه رابرت گیتز (Robert Gates) رئیس سازمان سیا در سال ۱۹۹۲ ادعا کرد که برخلاف تلاش‌های ایران و برخی از کشورهای عربی که اهدافی تهاجمی در سر می‌پروراند، برنامه هسته‌ای اسرائیل برای مقاصد دفاعی و برای بازدارندگی تهدیدهای ایران و عراق نسبت به دولت آن کشور پی‌ریزی شده است. وی همچنین مدعی شد که کسب توانایی هسته‌ای توسط ایران و لیبی، تهدیدی برای منافع آمریکا خواهد بود. با توجه به دیدگاه‌های آمریکا جای شگفتی نیست که رهبران کشورهای کوچک حتی دستیابی به تعداد کمی سلاح‌های اتمی با قدرت تخریب‌اندک را دارای مزایای بسیار تصور می‌کنند. این مسئله در ادعای رئیس کل پیشین قوای نظامی هندوستان، ساندارجی (Sundarji) انعکاس پیدا می‌کند: «یکی از مهمترین درس‌های جنگ خلیج فارس این است که اگر کشوری قصد جنگیدن با ایالات متحده آمریکا داشته باشد، باید از این کار پرهیز کند

بمب‌های با قدرت تخریب زیاد استفاده کند می‌تواند به خود اسرائیل نیز آسیب وارد آورد. با توجه به آنچه در مورد پیامدهای انفجار اتمی می‌دانیم پذیرفتنی است که زیانهای ناشی از فروریزش غبارهای اتمی (پس از وقوع انفجار) بر شهرهای اسرائیل و حومه آنها بیش از مزایای چنین ضربه‌های اتمی باشد. برای جلوگیری از بروز پدیده «زمستان اتمی»^{۲۴} اسرائیل از چنین حملاتی بازداشته خواهد شد.

حتی اگر دشمنان اسرائیل پیش از این کشور به تسلیحات اتمی دست یافته بودند، باز هم احتمال حمله اتمی آنها به قلمروی آن کشور بسیار اندک بود زیرا چنین حمله‌ای ساکنان عرب این سرزمین و نیز مردم مناطق مورد اختلاف اعراب و اسرائیل را هم نابود خواهد کرد. استراتژی بازدارندگی هسته‌ای دوجانبه در خاورمیانه تنها در صورتی با موفقیت روبرو خواهد شد که عوامل زیر در نظر گرفته شود: داشتن توانایی‌های استحکام یافته برای وارد ساختن ضربه دوم، وجود خطوط ارتباطی قابل اعتماد در بین کلیه گروه‌ها، دور بودن سلاحهای اتمی از دسترس گروه‌های غیر دولتی و تروریستی، حس مشترک آسیب‌پذیری دوجانبه و منطقی بودن تصمیم‌گیران اصلی. چون این عوامل در منطقه مشاهده نمی‌شود، استراتژی بازدارندگی اتمی اسرائیل با شکست روبرو خواهد شد.

پیامدهای منفی آشکارسازی زرادخانه اتمی اسرائیل همراه با نگرانی آمریکا از گسترش تسلیحات اتمی در خاورمیانه باعث شده است که از یکسو واشینگتن فشار زیادی بر اسرائیل برای تغییر رفتار سیاست خارجی و داخلش وارد نیاورد و از سوی دیگر نسبت به سرنوشت این دولت بی‌تفاوت باقی نماند. سیاستگذاران آمریکایی برای مخفی نگهداشتن توانایی هسته‌ای اسرائیل، از کمکهای دیپلماتیک و اقتصادی قابل توجه و انتقال تسلیحات متعارف پیشرفته دریغ نکرده‌اند. ترس از اینکه اسرائیل در جنگ ۱۹۷۳ به سلاحهای اتمی متوسل شود، عامل مهمی در تصمیم آمریکا به ارسال قطعات یدکی و ساز و برگ نظامی درخواستی اسرائیل به رغم انتقادات و مخالفت‌های شدید اعراب بود. در ضمن، نگرانی از بر ملا شدن قدرت اتمی اسرائیل، به عنوان یکی از عوامل خودداری آمریکا از فروش سیستم‌های تسلیحاتی بسیار پیشرفته‌ای ذکر شده است که می‌تواند توازن قدرت منطقه را به نفع اعراب تغییر دهد. ذکر شده است حتی در سیاستهای انتقال تسلیحات به اعراب لزوم حفظ برتری استراتژیک اسرائیل در نظر گرفته می‌شود.

برای کسب پیروزی قطعی، آسیب وارد آمده باید چنان سنگین باشد که بتواند بر رهبران دولتهای مورد نظر تأثیر گذارد. اما پرتاب صدها بمب اتمی منجر به آلودگی هسته‌ای محیط زیست منطقه می‌گردد و تأثیر نامطلوب آن فقط محدود به خاک دشمن نخواهد بود.

استراتژی هسته‌ای اسرائیل

استراتژیستهای اسرائیلی در تلاشند به پرسشهای گوناگونی پاسخ دهند: تحت چه شرایطی ممکن است اسرائیل از تسلیحات اتمی

استفاده کند؟ پیامدهای سیاسی، استراتژیک و تاکتیکی چنین تصمیمی چیست؟ واکنش بین‌المللی چه خواهد بود؟ واکنش کشورهای منطقه چه خواهد بود؟ آیا استفاده از این گونه تسلیحات به پیروزی سریع اسرائیل خواهد انجامید؟ رابطه بین سلاحهای اتمی و سلاحهای متعارف چیست؟ در چه زمانی این گونه سلاحها را باید وارد صحنه نبرد کرد؟ چه نوع هدفی مناسب است؟ آیا استراتژی ضد نیروها را باید انتخاب کرد یا استراتژی ضد شهرها و مراکز جمعیت را؟ آیا آشکار کردن زرادخانه اتمی اسرائیل به اتمی شدن سایر کشورهای خاورمیانه منجر خواهد شد؟ برخی از تحلیلگران مسائل خاورمیانه معتقدند محیط امنیتی اسرائیل به سستی گراییده است. برز بر این باور است که سوریه و ایران بویژه با توجه به امکان دستیابی آنها به توانایی تولید موشکهای بالستیک دوربرد و سایر موشکهای پیشرفته، تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک و حتی تسلیحات اتمی، تهدیدهای امنیتی بزرگی برای اسرائیل هستند. تهدید این دو کشور به طور غیرمستقیم از راه پشتیبانی آنها از عملیات به اصطلاح «تروریستی» ضد اسرائیلی هم نمایان می‌شود. از سوی دیگر، با تشکیل کشور مستقل فلسطین در سرزمینهای اشغالی تهدیدهای جدی تازه‌ای به وجود خواهد آمد. بنابراین اسرائیل دیر یا زود چاره‌ای جز وارد آوردن ضربه اول (یعنی حمله‌ای پیشگیرانه) به برخی از کشورهای دشمن خود در منطقه نخواهد داشت. پرسش اصلی این است: آیا این حملات به مراکز نظامی دشمن، از لحاظ استراتژیک و تاکتیکی مقرون به صرفه خواهد بود؟ پاسخ این پرسش بستگی به متغیرهای مهمی دارد، از جمله:

۱. احتمالات مورد انتظار در مورد ضربه‌های اول دشمن؛ ۲. میزان احتمال مؤثر بودن ضربه‌های اول دشمن (که خود این عامل به ماهیت تسلیحات دشمن، دکتترین هدف‌گیری دشمن، و استحکام، پراکندگی و تعدد نیروهای اتمی اسرائیل بستگی دارد)؛ ۳. زمان بندی مورد انتظار درخصوص استقرار تسلیحات غیر متعارف دشمن؛ ۴. کارایی مورد انتظار از دشمن در زمینه دفاع فعال در طول زمان (مانند تحول در موشکهای ضد بالستیک تاکتیکی)؛ ۵. کارایی مورد انتظار از اسرائیل در زمینه دفاع فعال در طول زمان؛ ۶. کارایی مورد انتظار از عملیات ضد نیرو علیه هدف مستحکم شده اسرائیل در قلمروی دشمن در طول زمان؛ ۷. واکنش مورد انتظار از جامعه بین‌المللی در برابر حملات پیشگیرانه اسرائیل. بنابراین، ملاحظات مهم در اینجا تصورات اسرائیلی‌ها در مورد عاقل بودن دشمن، زیانهایی که در کوتاه مدت بر اثر درگیری با دشمن به اسرائیل وارد می‌شود، مقایسه هزینه‌های تحمیل شده به اسرائیل بر اثر درگیری کوتاه مدت با دشمن و هزینه‌های ناشی از انتقامجویی دشمن در پاسخ به حمله پیشگیرانه اسرائیل، و کارایی پیش‌بینی شده عملیات ضد موشکهای بالستیک دشمن و اسرائیل در طول زمان است. با تشکیل یک دولت فلسطینی کاملاً محتمل است که رقبا و دشمنان اسرائیل از دست رفتن عمق استراتژیک این کشور را نقطه ضعف نظامی عمده‌ای برای تل‌آویو به شمار آورند. در چنین حالتی عزم ایران یا کشورهای عرب برای حمله به اسرائیل راسخ‌تر خواهد

فلسطینی‌ها، یا پ) توافق بیشتر با فلسطینی‌ها بدون هیچ توافق سیاسی با کشورهای دشمن، یا ت) هیچ توافق سیاسی با کشورهای دشمن و هیچ توافق سیاسی دیگر با فلسطینی‌ها.

● راه حل ۳- طرح حملات پیشگیرانه غیر اتمی به هدف‌های مستحکم شده (یعنی نیروها و تشکیلات نظامی و مراکز اقتصادی و صنعتی مهم) ایران یا کشورهای عرب متخاصم. چنین نقشه‌هایی می‌تواند با یکی از چهاربخش ذکر شده در بالا یا بدون هیچ کوششی برای یافتن راهی سیاسی در جهت حل و فصل اختلافها طرح‌ریزی شود. در ضمن، اسرائیل می‌تواند بمب اتمی خود را آشکار سازد یا مخفی نگهدارد. موفقیت نقشه حملات غیر اتمی پیشگیرانه مستلزم تولید سلاحهای اتمی کم شدت قابل استفاده برای حمله به هدف‌های نظامی است، البته نه برای حملات دفاعی اولیه بلکه برای بازدارندگی دشمن در جریان جنگ (متقاعد ساختن دشمن به این که پاسخگویی به این حمله پیشگیرانه مقرون به صرفه نیست) و اگر لازم شد برای ضربه‌های انتقامجویانه.

● راه حل ۴- طرح حملات پیشگیرانه اتمی بر ضد هدف‌های مستحکم شده ایران یا کشورهای عرب دشمن. از آنجا که حتی یک حمله اتمی «موفقیت‌آمیز» اسرائیل واکنشهای سیاسی بیش از حد منفی در سراسر دنیا به دنبال خواهد داشت، این راه باید فقط در هنگام تهدید فوری و قریب‌الوقوع انهدام کامل اسرائیل در پیش گرفته شود.

● راه حل ۵- رد قطعی سلاحهای اتمی برای استفاده در صحنه جنگ، اما استفاده از آنها برای بازدارندگی. این راه مشابه راههای ۱ و ۲ است با این فرق که برپایه کنار گذاشتن قطعی و کامل سلاحهای اتمی به عنوان ابزار جنگ قرار دارد.

● راه حل ۶- طرح ترور رهبران دولتی و غیردولتی کشورهای دشمن به عنوان بخشی از استراتژی کلی بازدارندگی.

● راه حل ۷- طرح ترور رهبران دولتی و غیردولتی کشورهای دشمن با قصد از میان برداشتن دشمنان سرسخت اسرائیل و نه فقط با هدف بازدارندگی دشمن.

● راه حل ۸- برنامه‌ریزی استفاده از تحریمهای مثبت (پاداش به جای مجازات) در برخورد با ایران و دشمنان عرب اسرائیل. برز نتیجه می‌گیرد که هیچیک از این راه‌حلها به تنهایی یا ترکیب خاصی از آنها کاملاً مطلوب نیست و اسرائیل باید آنها را برگزیند که کمتر از همه نامطلوب باشد.^{۳۵}

به نظر می‌آید که اسرائیل بیشتر بر راه‌حل‌های اول و سوم تکیه کرده باشد. اسرائیل چندین بار به تهدید اتمی متوسل شده است. در طول جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، این دولت با آماده باش دادن به نیروهای اتمی خود اقدام به نخستین تهدید اتمی نمود تا آمریکا را ناگزیر از تغییر سیاستش سازد.^{۳۶} اسرائیل حداقل در مورد سه کشور عرب (سوریه، عراق و لبنان) به تهدید هسته‌ای متوسل شده است.^{۳۷} در ۱۸ فوریه ۱۹۹۲، رابین بیان داشت که اولاً، اسرائیل در موضع دائمی جنگ با همسایگان عربش به سر می‌برد. ثانیاً، اهداف اسرائیل در این

○ اگر هدف اصلی برقراری صلح در جهان است، بی‌گمان «خلع سلاح» باید بر «بازدارندگی» پیشی گیرد و حقانیت پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای اقتضا می‌کند که قدرتهای هسته‌ای در استراتژیهای نظامی خود بازنگری اساسی کنند. تسلیحات اتمی نباید به عنوان ابزار سیاست خارجی یا ابزار جنگ در نظر گرفته شود.

○ تجربه آمریکا در جنگ خلیج فارس از دوران تازه‌ای خبر می‌دهد که در آن، جنگ‌افزارها غیرهسته‌ای ولی از لحاظ تکنولوژیک بسیار پیشرفته است. ایالات متحده در ۱۹۹۰ به تکنولوژی بمباران غیرهسته‌ای دقیق دست یافت و در ۱۹۹۱ با تکیه بر تکنولوژی کامپیوتری و میکروالکترونیک، از این توانایی برای درهم شکستن نیروهای عراق بهره جست.

شد. این تحلیلگر سپس استراتژی‌های گوناگونی را برای اسرائیل پیشنهاد و استدلال می‌کند در شرایطی که اسرائیل نمی‌تواند به قرارداد صلح با اعراب فلسطینی امید چندانی ببندد، تنها چاره برگزیدن ترکیبی از راه‌حلها یا راه‌حلی است که کمتر نامطلوب باشد. برای انجام این امر دو کار خطیر ضروری است: ۱) جایگزین کردن سیاستهای واکنشی با یک «نقشه عمده» یا «طرح» استراتژیک دقیق و کاملاً گسترده؛ و ۲) شناسایی سیاستها یا راه‌حلهای مشتق از این نقشه عمده. اما برنامه‌ریزان استراتژی امنیت اسرائیل وارونه عمل می‌کنند و برای پیشنهاد دستورالعمل‌های مناسب سیاسی به انتظار وقوع بلا یا مشکلات می‌نشینند؛ تهدیدهای امنیتی اسرائیل را که پنهان و ناشناخته اما کوبنده و درهم‌شکننده است نادیده می‌گیرند. سپس برز براساس این اندیشه، «نقشه بزرگ» مقدماتی را ارائه می‌کند که به ادعای خودش برای استراتژیستهای امنیت ملی اسرائیل مفید است. وی راه‌حل‌های ممکن برای اسرائیل را بدین شرح برمی‌شمارد:

● راه حل ۱- هیچ گام نظامی یا دیپلماتیک خارق‌العاده دیگری بر ندارد و روشهای قدیمی بازدارندگی را ادامه دهد. این راه به دو بخش قابل تقسیم است: الف) همچون گذشته بمب اتمی خود را مخفی نگهدارد، یا ب) توانایی نظامی خود را آشکار سازد.

● راه حل ۲- گامهای استثنایی دیگری در زمینه دیپلماسی بردارد و درصد حل و فصل سیاسی گسترده تری برآید. این راه را که به ایجاد یک رژیم امنیتی بازمی‌گردد می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: الف) توافق‌های سیاسی با کشورهای دشمن و توافق بیشتر با فلسطینی‌ها، یا ب) توافق‌های سیاسی با کشورهای دشمن بدون هیچ توافق دیگری با

اسرائیل به سیاست «ابهام عمدی» ادامه دهد. آینده خاورمیانه در گروی توجه به تهدید امنیتی ناشی از وجود سلاحهای کشتار جمعی در منطقه است. تنها در صورت ایجاد یک رژیم امنیتی با ثبات می توان به پیشرفت اقتصادی پایدار دست یافت.

برای رسیدن به هدف امنیت منطقه ای، دو مسئله عمده وجود دارد: الف) چگونه اسرائیل و سایر کشورهای منطقه و جهان را که به معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی ملحق نشده اند ترغیب کنیم تا به امضای آن مبادرت ورزند؟^{۲۲} در سالهای اخیر چین، فرانسه و آفریقای جنوبی که در زمره سرسخت ترین مخالفان این معاهده بودند تصمیم به امضاء و اجرای آن گرفتند. لیکن هنوز کشورهایی وجود دارند که خود را خارج از رژیم عدم گسترش تسلیحات اتمی نگه داشته اند. این کشورها در خاورمیانه عبارتند از: امارات عربی متحده، اسرائیل، پاکستان و عمان. برخی از کشورهای غیر اتمی با امضای معاهده ای که آنها را بطور دائم از کاربرد نظامی انرژی هسته ای محروم می سازد، مخالفند مگر آنکه اطمینان حاصل نمایند که اهداف خلع سلاح اتمی و بویژه منع کامل آزمایشهای هسته ای تحقق می یابد؛ ب) چگونه کشورهای عضو این پیمان را به محترم شمردن تعهدهای مورد توافقشان تشویق کنیم؟^{۲۳}

جامعه بین المللی باید از راههای دیپلماسی فعالانه بکوشد تا کشورهای جهان سوم را تشویق کند که از بهره برداری نظامی از تکنولوژی هسته ای خودداری نمایند. برخی از تحلیلگران ادعا کرده اند که وجود تعداد کمی بمب اتمی در دست قدرتهای کوچک بیش از افزوده شدن هزارها سلاح اتمی کشنده به زرادخانه آمریکا و روسیه یا سایر کشورهای بزرگ اتمی خطر آفرین است. فرض بر این است که نابودسازی نیروهای اتمی کوچک سهلتر است، و احتمال دارد که قدرتهای اتمی نورسیده با آگاهی از این مسئله پیش از اینکه سلاحهای اتمی خود را از دست دهند آنها را بر ضد دشمنان خویش به کار گیرند. نظر اعراب و ایران در مورد ماهیت تدافعی زرادخانه هسته ای اسرائیل با دیدگاه های آمریکا و اسرائیل کاملاً متفاوت است. اکثر کشورهای خاورمیانه توانایی اتمی اسرائیل را غیر قابل قبول و تهاجمی می دانند. جای شك نیست که اسرائیل خواهان ادامه همکاری آمریکا در زمینه های نظامی است و نمی خواهد جایگاه منحصر به فرد خود را در زمینه زرادخانه استراتژیک مدرن و برتری نظامی اتمی از دست بدهد. هنوز مشخص نیست که موضع آمریکا در قبال توانایی اتمی اسرائیل به چه شکل تغییر خواهد کرد. اگر واشینگتن تصمیم بگیرد که به بازدارندگی اتمی این کشور اعتراض کند، اسرائیل ناگزیر خواهد شد دکترین های استراتژیک خود را تغییر دهد، و آمریکا نیز مجبور می شود سیاستهای خود را در قبال کشورهای خاورمیانه مورد بازنگری اساسی قرار دهد. اگر اسرائیل تصمیم بگیرد بطور علنی عضو باشگاه اتمی گردد، آیا آمریکا سلاحهای اتمی اسرائیل را قبول خواهد کرد یا اینکه با تهدید به قطع کمکهای خود و حتی تهدید به تحریم اقتصادی، اسرائیل را وادار به امضای معاهده منع گسترش سلاحهای هسته ای و خلع

جنگها باید تهاجمی باشد تا بتواند به موقعیتی دست یابد که شرایط آتش بس و ترك مخاصمه را دیکته کند... و باید قدرت بازدارندگیش را حفظ نماید و اعلام کند که در صورت اصابت حتی يك موشك زمین به زمین به تل آویو، دمشق، حلب و بغداد نابود خواهد شد. ثالثاً، ادامه جنگ و تهدید به جنگ با اعراب در چنین شرایطی نیاز به این دارد که همه چیز در اسرائیل به نیازهای نیروی نظامی وابسته گردد.^{۲۴} در جنگ دوم خلیج فارس برای دفاع از کویت در برابر تهاجم عراق نیز تل آویو اقدام به تهدید هسته ای سرپوشیده اما غیر قابل انکار کرد و اعلام نمود که اگر بغداد سلاحهای اتمی خود را به سمت شهرها و مراکز جمعیت اسرائیل پرتاب کند، تل آویو با سلاح های اتمی پاسخ خواهد داد. البته آشکار نبود که آیا اسرائیل مبادرت به يك حمله بزرگ اتمی به بغداد خواهد کرد یا حمله ای محدودتر به تکریت.^{۲۵} این نکته مسلم بود که اسرائیلی ها در پاسخ به پرتاب شدن موشکهای اسکاد عراقی، مبادرت به آماده باش کامل اتمی کرده اند. ماهواره های جاسوسی آمریکا با ارسال عکسهایی از سیستم های متحرک پرتاب موشک که به کلاهکهای هسته ای مجهز و در چندین منطقه مستقر شده و آماده پرتاب به سوی خاک عراق بودند، واشینگتن را از امکان اوج گیری اتمی این جنگ آگاه ساختند.^{۲۶}

خلع سلاح اتمی اسرائیل

با بررسی برنامه سلاحهای هسته ای اسرائیل و نحوه برخورد قدرتهای بزرگ با استراتژیهای اتمی آن کشور، پرسش های متعددی در ذهن تحلیلگر شکل می گیرد: هدف نهایی از کنترل تسلیحات چیست؟ بویژه، هدف رژیم منع گسترش سلاحهای اتمی چیست؟ اگر این گونه سلاحها برای امنیت منطقه ای و جهانی ضروری است پس باید در این خصوص که چه نوع رژیم امنیتی ضروری است گفتگوهای جدی و جهانشمول صورت گیرد. اگر اتمی شدن برای امنیت منطقه ای و جهانی تهدیدکننده است، پس باید دید چه نوع رژیم کنترل تسلیحاتی برای کاهش تدریجی زرادخانه های اتمی مؤثرتر است. استفاده از تسلیحات اتمی، امنیت منطقه و جهان را مورد تهدید قرار خواهد داد. انتقادهای ایران از سیاست تبعیض آمیز جامعه بین المللی به نفع اسرائیل،^{۲۷} و فشارهای جامعه عرب برای غیر اتمی شدن خاورمیانه باید ادامه یابد و هماهنگی بیشتری در این زمینه بین کشورهای منطقه صورت گیرد. حتی يك ضربه اتمی محدود اسرائیل به یکی از کشورهای خاورمیانه ثبات نظم جهانی را زیر سوال برده و کل جامعه جهانی را به خطر می افکند. تصمیم گیران سیاسی و نظامی در مورد برنامه های اتمی باید مسئله احتمال وقوع درگیریهای اتمی منطقه ای را مورد بحث دقیق و مداوم قرار دهند. با توجه به سکوت محافل بین المللی و عدم وحدت عمل کشورهای منطقه که به معنای عدم اعمال فشارهای رسمی خارجی مؤثر بر اسرائیل برای پذیرش رژیم عدم گسترش سلاحهای اتمی بوده است، جای تعجب نیست که

هستند و بسیاری دیگر در شرف دست‌یابی به این توانایی می‌باشند. بحث‌هایی حقوقی که علیه رژیم عدم‌گسترش تسلیحات اتمی به همت جهان غیر اتمی در مخالفت با ادامه حیات باشگاه انحصاری اتمی رونق گرفته است، حول این واقعیت دور می‌زند که این باشگاه، هم نوعی تبعیض است و هم نمایانگر مقاصد خودخواهانه اعضای آن. کشورهای که سعی دارند اصل عدم‌گسترش سلاح‌های انهدام جمعی را در جهان به اجرا گذارند، باید به تعهد خود نسبت به خلع سلاح اتمی عمل کنند. از این گذشته، اصل برابری کشورهای مستقل حکم می‌کند که کشورهای عضو باشگاه اتمی در موقعیتی برتر با امتیازی ویژه و دائمی قرار نداشته باشند. این اصل برابری، اساس رژیم حقوقی جامعه ملل را تشکیل می‌دهد و باید مورد احترام اعضای آن قرار گیرد. اگر رفتار تساهل‌آمیز قدرت‌های هسته‌ای در قبال جهان غیر اتمی پیوسته کم‌رنگ‌تر گردد، این مسئله می‌تواند تسلط اقلیت بر اکثریت را سبب شود که امری بوضوح غیردموکراتیک خواهد بود. اگر هدف اصلی برقراری صلح در جهان است، هیچ شکی نیست که باید خلع سلاح بر بازدارندگی پیشی گیرد، و حقانیت معاهده منع‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای اقتضاء می‌کند که قدرتهای هسته‌ای در استراتژی نظامی خود بازنگری اساسی نمایند.^{۲۵} نباید تسلیحات اتمی به عنوان ابزار سیاست خارجی یا ابزار جنگ در نظر گرفته شود. کلیه اعضای جامعه بین‌المللی باید به توافقی صلح‌آمیز برسند و استفاده سیاسی، دیپلماتیک و نظامی از تسلیحات هسته‌ای ممنوع گردد. تحصیل جنگ‌افزارهای اتمی برای همه کشورها بسیار خطرناک است. تمامی قدرتهای اتمی باید تسلیحات هسته‌ای خود را منهدم سازند و مواد اتمی به کار رفته در مراکز نظامی یا غیرنظامی خود را زیر نظریک آژانس بین‌المللی قرار دهند.^{۲۶} یکی از دلایل اتمی شدن اسرائیل ترس از این بود که در آینده دشمنانش به برتری نظامی متعارف دست پیدا کنند. بنابراین، تل‌آویو در تلاش بوده است تا به برتری در زمینه تکنولوژی پیشرفته نظامی (حتی در زمینه تولید سلاح‌های انهدام جمعی) برسد. به‌رغم امضای کنوانسیون تسلیحات شیمیایی که تولید و استفاده از گازهای سمی را ممنوع می‌کند، اسرائیل در کارخانه‌ای که در نیروگاه دیمونا پنج طبقه زیرزمین قرار دارد، درحال ساخت سلاح‌های شیمیایی است. در نس‌زنونیا (Nes Zionya) در جنوب تل‌آویو مرکزی برای تولید سلاح‌های بیولوژیک وجود دارد. ولی مشخص نیست که در آن چه نوع سلاح‌هایی تولید می‌شود.^{۲۷}

پیشرفت‌های تکنولوژیک جدید، این امکان را به وجود آورده است که کلاهک‌های متعارف به شیوه‌ای بسیار مؤثرتر به کار رود. در ۱۹۹۰، آمریکا به تکنولوژی بمباران غیرهسته‌ای دقیق دست یافت و در جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ با اتکاء بر تکنولوژی کامپیوتری و میکروالکترونیک از این توانایی برای درهم شکستن مقاومت نیروهای عراقی استفاده کرد. تجربه آمریکا در این جنگ از عصر جدیدی خبر می‌دهد که در آن جنگ‌افزارها غیرهسته‌ای ولی از لحاظ تکنولوژیک بسیار پیشرفته است. این گونه سلاح‌های متعارف و مدرن ابزار تسلطی

پرسش مهمی که باید مطرح ساخت این است که آیا برقراری صلح یا جلوگیری از جنگ باید در گرو وحشت از انهدام هولناک جمعی و غیرقابل تبعیض همراه با انباشت پرهزینه تسلیحات غیرمتعارف باشد آن هم صرفاً به این امید که هدف از این گونه تسلیحات فقط بازدارندگی باشد و هیچگاه در صحنه جنگ به کار نرود؟ قدر مسلم آن است که گروه بسیار محدودی از کشورها که عضو باشگاه اتمی هستند، بر سر تولید تسلیحات مخرب و انهدام جمعی با یکدیگر مسابقه گذاشته‌اند تا برتری لازم برای «بازداشتن» طرف مقابل را حفظ کنند. این سیاست‌ها بشریت را در وحشت همیشگی از ویرانی کلی قرار داده است. منطق بازدارندگی که اخیراً بر آن تأکید بسیار شده است، منشأ قدیمی دارد. ریاکارانه است که سلاح‌های هسته‌ای را انباشته کنیم درحالی که به استفاده (نظامی یا سیاسی) از آنها تمایل نداشته باشیم و ادعا کنیم که فقط برای خلع سلاح طرف دیگر به تلاش‌های خود ادامه می‌دهیم. آرزوی عدم کاربرد سلاح‌های انهدام جمعی ممکن است به حقیقت نپیوندد زیرا کشورهای غیر اتمی نیز می‌توانند اتمی شوند، و کشورهای اتمی کنونی نیز می‌توانند در آینده از لحاظ کمی و کیفی زرادخانه هسته‌ای خود را پیشرفته‌تر، مخرب‌تر و پرهزینه‌تر سازند. به همین دلیل، بازدارندگی موفق‌ترین استراتژی برای مبارزه با بی‌ثباتی و ناامنی در جهان نیست. اصولاً مسلم نیست که این استراتژی در تمام موارد سیاسی و نظامی ضروری باشد. از این گذشته، استراتژی بازدارندگی هسته‌ای شاید به مسابقه تسلیحاتی نابرابرتری در بین ملت‌ها منجر شود که خود می‌تواند پیامدهای بسیار نامطلوبی برای جوامع انسانی داشته باشد. تأکید بر استراتژی بازدارندگی و جبر هسته‌ای از سوی تصمیم‌گیران در کشورهای بزرگ، در واقع کشورهای کوچکتر و غیر اتمی را به هوس اتمی شدن می‌اندازد. استفاده از این گونه تسلیحات در منطقه‌ای جنگ‌زده و بحران‌زا می‌تواند برای شرکت‌کنندگان و دولت‌های بیطرف به یک اندازه ویرانگر و نامطلوب باشد. ممکن است یکی از اعضای فعلی باشگاه اتمی دست به تولید سلاح‌های هسته‌ای کشنده تری بزند و در تلاش برای حفظ برتری استراتژیک با کشاندن جنگ تمام‌عیار (حتی به فضا) بشریت را بطور اجتناب‌ناپذیر با تهدید عظیمی مواجه کند. نظریه‌های بازدارندگی اتمی و جبر هسته‌ای (همانند عدم‌گسترش سلاح‌های اتمی و خلع سلاح کامل) باید این گونه تفسیر شود که «مرگ تنها برای همسایه خوب است».

کسب توانایی نظامی اتمی (از نظر امنیتی و اقتصادی) نتیجه‌ای جز بدبختی احتمالی برای جامعه بین‌المللی نخواهد داشت. در عمل، در جامعه‌ای که متشکل از کشورهای مستقل است تحمیل عدم‌گسترش تسلیحات هسته‌ای بی‌نهایت مشکل است. به‌رغم تلاش‌های بی‌پایان قدرت‌های بزرگ اتمی برای جلوگیری از گسترش توانایی‌های اتمی، امروزه بسیاری از کشورهای ضعیف‌تر دارای توانایی بالقوه و بالفعل بهره‌برداری نظامی یا غیرنظامی از انرژی اتمی

اهمیت تر و پیش پا افتاده تر از عدم گسترش تسلیحات اتمی و خلع سلاح اتمی در نظر گرفته شود. مگر واقعیت این نیست که قدرت تخریب سلاحهای متعارف مدرن سبب مرگ و فنانی میلیونها انسان در دوران پس از جنگ جهانی دوم شده است؟

در جنگ و صلح خواهد بود که هم از لحاظ نظامی مؤثرتر و هم از نقطه نظر اقتصادی، سیاسی و اخلاقی مقرون به صرفه تر، قابل قبول تر و مفیدتر است.^{۲۸} داستان تکرار می شود و مراحل بعدی حفظ امنیت بین المللی به کنترل انواع دیگر تسلیحات (یعنی سلاحهای غیر اتمی ولی ویرانگر) وابسته می گردد. کنترل و خلع سلاح متعارف نباید کم

دیدگاه های موافق و مخالف استراتژی اتمی اسرائیل

دیدگاه ۱	دیدگاه ۲	دیدگاه ۳
اسرائیل باید به سیاست فعلی «ابهام عمدی» ادامه دهد و بمب های خود را در «زیرزمین» مخفی نگه دارد.	اسرائیل باید توانایی اتمی خود را علنی سازد. برای اسرائیل دیگر مقرون به صرفه نیست که بمب اتمی خود را پنهان دارد.	کسب توانایی نظامی اتمی برای همه کشورهای خطرناک است. اسرائیل باید به معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای بپیوندد و زرادخانه اتمی خود را منهدم سازد و مراکز و مواد اتمی نظامی و غیرنظامی خود را تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دهد.
بازدارندگی هسته ای علنی در خاورمیانه با شکست روبرو خواهد شد. نباید تصور کنیم که چون تا به حال جنگی هسته ای بین قدرتهای بزرگ اتمی رخ نداده است، پس بازدارندگی همیشه به موفقیت می انجامد. روابط آمریکا و شوروی و حالا نیز روابط روسیه و آمریکا با مناسبات موجود یا پدیدار شونده بین کشورهای خاورمیانه قابل مقایسه نیست. سیاست ابهام هسته ای سالهاست که به نفع اسرائیل بوده و ضرورتی ندارد که تغییر یابد.	برتری نظامی اسرائیل در برابر اعراب نمی تواند برای مدت نامحدودی باقی بماند و اسرائیل باید توانایی هسته ای منحصر به فرد خود را آشکار سازد تا توازن قدرت منطقه ای را به نفع خود حفظ کند. بازدارندگی هسته ای دوجانبه آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد موفقیت آمیز بود. در خاورمیانه نیز موازنه استوار مشابهی قابل پیش بینی است. برای جلوگیری از حمله ای نابودکننده به اسرائیل، تنها راه ممکن برای رهایی اسرائیل تهدید به آغاز جنگی اتمی برضد دشمنان منطقه ای است که به برتری نظامی متعارف رسیده اند.	حتی اگر قرار باشد اسرائیل به توانایی اتمی قابل ملاحظه ای دست پیدا کند، احتمالاً استراتژی بازدارندگی هسته ای توسط دشمنانی که میل و اراده بیشتری برای تحمل مجازات دارند، خنثی خواهد شد. اگر اسرائیل با نیروهای مخالفی که برای جهاد آماده شده اند روبرو گردد، هیچ گونه تهدیدی (حتی اتمی) کارساز نخواهد بود.
درست است که تنها چند بمب اتمی اسرائیل را به یک ابرقدرت تبدیل نمی کند، اما اسرائیل برای بازدارندگی حملات شیمیایی و بیولوژیک احتمالی دشمنانش، به تسلیحات اتمی نیاز دارد. از چند بمب هسته ای می شود برای باجگیری اتمی استفاده کرد و آمریکا یا سایر قدرتهای بزرگ را مجبور نمود تا از اسرائیل	در پیش گرفتن سیاست علنی و رسمی بازدارندگی هسته ای وضع موجود را ثابت نگه خواهد داشت و به رقابت نظامی اسرائیل و دشمنانش پایان خواهد داد. توانایی اتمی اسرائیل از یک سو و زرادخانه سلاحهای غیرمتعارف (شیمیایی و بیولوژیک) طرف مقابل، نقش بازدارنده ایفا خواهد کرد. حتی اگر مراکز تولید	تنها چند بمب اتمی، اسرائیل را به قدرتی هسته ای تبدیل نخواهد کرد. از آنجا که قدرت متعارف اسرائیل برتر از سایر کشورهای خاورمیانه است، نیازی به توانایی اتمی نیست. حفظ توانایی اتمی اسرائیل به اتمی شدن خاورمیانه خواهد انجامید. از این گذشته، آغاز مسابقه تسلیحات اتمی در منطقه به شتاب و

<p>جدیت بیشتر برای دستیابی به سایر جنگ افزارهای کشتار جمعی و نیز سلاحهای متعارف مخرب تر منجر شده و در مجموع سطح تنش را افزایش خواهد داد. امکان درگیرهای اتمی تصادفی یا پیشگیرانه اتمی نیز افزایش خواهد یافت. از لحاظ مالی اسرائیل قادر نخواهد بود با مخالفان منطقه ای خود رقابت کند و برای گسترش زرادخانه اتمی خود نباید امیدی به کمکهای اقتصادی آمریکا بیند. در نتیجه، در مسابقه جدید تسلیحاتی، نه تنها برتری استراتژیک خود را از دست خواهد داد بلکه دچار ضعف قدرت نسبی خواهد شد.</p>	<p>سلاح های کشتار جمعی عراق در جنگ اخیر ناپدید شده باشد، در آینده نزدیک یک یا چند کشور عرب قادر به تولید و پرتاب جنگ افزارهای اتمی یا شیمیایی به شهرهای اسرائیل خواهند شد، و در نتیجه انحصار اتمی اسرائیل به حالت انهدام حتمی دوجانبه تبدیل خواهد گردید.</p>	<p>جانبداری یا در صورت لزوم از منافع آن کشور دفاع کنند.</p>
<p>زرادخانه اتمی اسرائیل غیر ضروری و به عنوان بازدارنده حملات دشمن بی تأثیر است و برای دفاع از قلمروی اسرائیل نیز نامناسب است. حتی اگر اسرائیل توانایی اتمی خود را رسماً آشکار نسازد، دیر یا زود واقعیت زرادخانه منحصر به فرد اسرائیل در منطقه از مسائل مهم مورد بحث در محافل سیاسی و در رسانه های گروهی خواهد شد، آگاهی عمومی از اتمی بودن اسرائیل سبب یگانگی و وحدت اعراب و انزوای بیشتر اسرائیل می گردد.</p>	<p>علنی کردن قدرت نظامی اتمی اسرائیل با به نمایش گذاشتن کاهش وابستگی نظامی آزادی عمل بیشتری به تل آویو می دهد. زرادخانه هسته ای نوعی بیمه در برابر تصمیم آمریکا به عدم حمایت از مواضع اسرائیل در خاورمیانه است.</p>	<p>آشکار سازی زرادخانه اتمی اسرائیل به تلاشهای دیپلماتیک برای رسیدن به صلح در خاورمیانه آسیب وارد می آورد، و بر روابط آمریکا و اسرائیل نیز تأثیر منفی خواهد داشت. افشای رسمی اتمی بودن اسرائیل توافق ضمنی بین این دو کشور را نقض می کند و واشینگتن را در وضعی قرار خواهد داد که باید بین پشتیبانی از یک اسرائیل اتمی و رژیم منع گسترش تسلیحات اتمی یکی را برگزیند.</p>
<p>اسرائیل می تواند معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای را امضاء کند بدون اینکه اهداف ملی خود را زیر پا بگذارد.</p>	<p>اسرائیل باید با ایجاد منطقه عاری از تسلیحات اتمی البته تنها در صورت صلح با تمام کشورهای خاورمیانه موافقت نماید</p>	<p>حمله اسرائیل به نیروگاه اتمی عراق در ژوئن ۱۹۸۱ عزم اعراب را برای تولید سلاحهای اتمی راسخ تر کرده است و علنی شدن بمب اتمی اسرائیل به جز تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه ثمری نخواهد داشت.</p>

● یادداشت ها

۲. بنگرید به:

Seymour M. Hersh, *The Samson Option*, pp. 129- 130.

۳. با وجود گزارشهای پراکنده در مورد دستیابی اسرائیل به سلاحهای اتمی، مسئولان دولتی آمریکا اصرار داشتند مدرکی در دست ندارند که ثابت کند تل آویو دارای تسلیحات اتمی است یا برنامه تولید این گونه جنگ افزارها را در دست اجرا دارد. بنگرید به اظهارات میرون کراتزر در برابر کنگره: - U.S. House of Commons, *Oversight Hearings on*

1. Kathleen C. Bailey. *Doomsday Weapons in the Hands of Many*. Urbana and Chicago: University of Illinois Press, 1991; Leonard Spector with Jacqueline R. Smith, *Nuclear Ambitions*. Boulder, CO.: Westview Press, 1990; Henry Sokolski. «Fighting Proliferation with Intelligence», *Orbis*, Spring 1994: 245-260.

op. cit. pp. 171-174; Leonard S. Spector. **The Undeclared Bomb**. Ballinger, 1988, pp. 189-193; and Leonard Spector, **The New Nuclear Nations**. New York: Vintage Books, 1985, pp. 148-151; William Burrows and Robert Windrem. **Critical Mass**; «Israel - Massive Retaliation», **The Middle East**. March 1994, pp. 7-8; Anthony Taylor. «Nuclear Peace?» **The Middle East**. March 1994, p.9.

۲۰. روشن نیست که اسرائیل در جنگهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ چه تعداد سلاح هسته‌ای داشته است. در آوریل ۱۹۷۶ گزارش شد که تل‌آویو در ۸-۹ اکتبر ۱۹۷۳ با عجله سیزده بمب اتمی تولید و در زرادخانه اتمی خود انبار کرده است. برخی از تحلیلگران حتی ادعا کرده‌اند که اخطار اسرائیل در این مورد که تسلیحات اتمی را تولید و آماده استفاده در جنگ نموده است باعث شده که هنری کسینجر با ارسال قطعات یدکی و لوازم نظامی آمریکایی به این کشور موافقت کند. ر.ک. به:

- Time, April 12, 1976: pp. 39-40; Helena Cobban. «Israel's Nuclear Game», **World Policy Journal**, Summer 1988: pp. 424-425; cited by Anthony Cordesman and Abraham Wagner. **The Lessons of Modern War: Arab - Israeli Conflicts, 1973-1989**, Boulder, Co: Westview Press, 1990, p.267.

21. William Burrows and Robert Windrem. **Critical Mass**. op. cit.

22. IISS. **The Military Balance 1992-1993**. London: Brassy's, for the IISS, 1992.

23. Kenneth Waltz. «Peace, Stability and Nuclear Weapons», **IGCC Policy Paper** #15, August 1995, p. 11.

24. James Bruce. «Israel's Amos-1 Launches ABM Early Warning Bid», **Jane's Defence Weekly**. 25, 10, 6 March 1996: 23

* سلاحهای اتمی استراتژیک شامل موشکهای بالستیک پرتاب شونده از زمین و موشکهای بالستیک پرتاب شونده از زیردریایی با برد بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر، و بمب‌ها و موشکهای قابل حمل و پرتاب توسط هواپیماهای قاره‌پیما می‌باشد. در معاهده «نیروهای هسته‌ای میان‌برده» در ۱۹۸۷، موشکهای اتمی تاکتیکی به صورت زیر گروه بندی شد: موشکها با برد متوسط (بین ۱۰۰۰ و ۵۵۰۰ کیلومتر) و موشکها با برد کوتاه (بین ۵۰۰ و ۱۰۰۰ کیلومتر) که نیروهای اتمی غیر استراتژیک هم نامیده می‌شوند. سلاحهای اتمی با برد کمتر از ۵۰۰ کیلومتر شامل توپ، مین، موشک و غیره است که سلاحهای صحه نبرد Theatre Nuclear Forces هم نامیده می‌شود.

* آمار مربوط به هندوستان از منبع زیر گرفته شده است:

Leonard Spector with Jacqueline Smith. **Nuclear Ambitions**. Boulder, CO: Westview Press, 1990, p. 72.

۲۵. زرادخانه اسرائیل شامل خمپاره، مین‌های زمینی، و بمبهای آماده پرتاب توسط موشکهای دوربرد جریکو - دو می‌باشد. اسرائیل دارای بمبهای نوترونی است که به جای انفجار با پرتوافکنی موجودات زنده را نابود می‌کند و احتمالاً به بمب‌های هیدروژنی نیز که قدرت تخریب آن بسیار بیشتر از بمب‌های اتمی ساده است دسترسی دارد.

26. Shalheveth Freier. «A Nuclear - Weapons- Free Zone in the Middle East and Effective Verification» **Disarmament**. XVI, 3 (1993): 66-91, pp. 74-76.

27. Steven J. Rosen, «A Stable System of Mutual Deterrence in the Middle East», **American Political Science Review**, 71,4 (December 1977): 1367-1383; Shai Feldman, «A Nuclear Middle East»,

Nuclear Energy: International Proliferation of Nuclear Technology, Hearings, Committee on Interior and Insular Affairs, Subcommittee on Energy and Environment. 9th Congress, 1st Session, Washington, DC., US Government Printing Office, 1975, p. 19; cited by Mitchell Reiss, **Without the Bomb: The Politics of Nuclear Non - Proliferation**, New York: Columbia University Press, 1988; p. 153.

4. Roger F. Pajak. «Nuclear Status and Politics of the Middle East Countries», **International Affairs** 59,4 (Autumn 1993): 587-607, p. 593.

5. **Jewish Observer**. December 24, 1965; cited in U.N. **Study on Israeli Nuclear Armament**. New York: UN, 1982, p. 17; Efraim Inbar. **Israel's Nuclear Policy After 1973**. Los Angeles: Pan Heuristic, 1977; Fuad Jabbar. **Israel and Nuclear Weapons**. London: Chatto & Windus, 1971.

6. **Sunday Times** (London). March 14, 1974 cited by Reiss, op. cit. p. 157.

7. **International Herald Tribune**. September 10, 1976.

8. Pajak, op. cit.

۹. نگاه کنید به:

«Revealed: Secrets of Israel's Nuclear Arsenal», **Sunday Times** (London). October 5, 1986.

۱۰. بنگرید به:

Samuel H. Day, Jr. «Vanunu: Israel's Embarrassment», **The Bulletin of the Atomic Scientists** 48 (9): 1992, p. 13; Paolo Farinella and Venance Journe. «Justice for Vanunu», **The Bulletin of the Atomic Scientists**, 1, January / February 1991.

۱۱. نگاه کنید به:

Seymour Hersh, **The Samson Option: Israel's Nuclear Arsenal and American Foreign Policy**. New York: Random House, 1991.

۱۲. بنگرید به:

Samuel H. Day, Jr. «Vanunu: Israel's Embarrassment», op. cit. pp. 12-13.

13. **International Herald Tribune**. June 30, 1981.

14. Seymour Hersh. **The Price of Power: Kissinger in the Nixon White House**. New York: Summit Books, 1983; p. 214.

15. Arms Control and Regional Security (ACRS) Working Group.

16. Peter Jones. «The Middle East Peace Process», in **SIPRI Yearbook 1996**. p. 183.

17. Peter Waldman. «Egypt Confronts Israel on Nuclear Arms...» **The Wall Street Journal**. January 11, 1995.

18. John Simpson. «The Nuclear Non Proliferation Regime after the NPT Review and Extension Conference», **SIPRI Yearbook 1996**. op. cit., p. 581.

19. Hersh. **The Samson Option**. op. cit., p. 131.

* - بنگرید به:

Jane's Intelligence Review; cited by Peter Waldman. «Egypt Confronts Israel on Nuclear Arms: Pressure to Sign Non - proliferation Pact Strains Ties», **The Wall Street Journal**, January 11, 1995; Leonard S. Spector with Jacqueline R. Smith, **Nuclear Ambitions**,

39. Robert E. Harkavy, «After the Gulf War: The Future of Israeli Nuclear Strategy», in Herbert H. Blumberg and Christopher C. French, eds. **The Persian Gulf War: Views from the Social and Behavioral Sciences**, Lanham, New York: University Press of America, 1994.

۴۰. بنگرید به:

Semour Hersh, *op. cit.*, p. 318.

۴۱. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود در کنفرانس بازنگري معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در نیویورک به مشکل امتناع اسرائیل از پذیرش نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد و دستیابی اسرائیل به تسلیحات اتمی را سبب بی‌ثباتی خاورمیانه دانست. ر.ش. به: اطلاعات. یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۲.

۴۲. کشورهایی که تا بهار ۱۹۹۵ هنوز معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی را امضاء نکرده بودند، عبارتند از: آندورا، آنگولا، برزیل، شیلی، کومور، کوها، پالائو، صربستان و مونتنگرو، تاجیکستان، امارات عربی متحده، وانواتو، جیبوتی، اریتره، هند، اسرائیل، مقدونیه، میکرونزی، عمان و پاکستان.

۴۳. یکصد و شصت و سه کشور قبل از کنفرانس تمدید، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرده بودند.

44. Geoffrey Aronson, «Hidden Agenda: US- Israeli Relations and the Nuclear Question». **Middle East Journal**. 46, 4 (Autumn 1992): 617-630; Israel Shahak, «The Israeli Myth of Omniscience: Nuclear Deterrence and Intelligence». **American - Arab Affairs**, 36 (Spring 1991): 95-103.

45. Nagendra Singh and Edward Mcwhinney, **Nuclear Weapons and Contemporary International Law**, Dordrecht and Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 1988, pp. 200-202.

46. Jonathan Schell, **The Abolition**, New York: Knopf, 1984.

47. William Burrows and Robert Windrem, **Critical Mass**. *op. cit.*

48. Dagobert Britto and Michael Intrigator, «The Economic and Political Incentives to Acquire Nuclear Weapons», **Strategic Studies**, 2, 3/4 (Spring / Summer 1993): 287-310.

Survival, 23,3 (May- June 1981): 111-115; Shai Feldman, **Israel Nuclear Deterrence**, New York: Columbia University Press, 1982.

28. Shai Feldman, **Relative Willingness to Absorb Punishment**, 1982.

29. Cited by Warren H. Donnelly, «Israel and Nuclear Weapons», **CRS Issue Brief**, Congressional Research Service, the Library of Congress, updated March 13, 1989, p.5.

30. Louis Rene Beres, ed. **Security or Armageddon: Israel's Nuclear Strategy**, Lexington, MA: Lexington Books, 1986.

31. Robert G. Joseph and John F. Reichart. «Deterrence and Defense in a Nuclear, Biological and Chemical Environment», **Comparative Strategy**. 15 (1996): 59-80, p. 60.

32. Roger F. Pajak, «Nuclear Status and Politics of the Middle East Countries», **International Affairs**, 59, 4 (Autumn 1993): 587-607, p. 593.

33. Peter Pry, **Israel's Nuclear Arsenal**, Boulder, CO: Westview Press, 1984.

34. Carl Sagan, «Nuclear War and Climatic Catastrophe: Some Policy Implications», **Foreign Affairs**, 62, 2 (Winter 1983-1984): 257-292.

35. Louis Rene Beres, «Security Threats and Effective Remedies: Israel's Tactical and Legal Options», **Strategic Review**, Vol XXII, 1 (Winter 1994): 68-74; and Louis / Rene Beres, «Commentary: Israel's Nuclear Strategy», **IS Notes**, 15, 2 (Spring 1990): 43-49; Louis Rene Beres, «Israel, Iran and Prospects for Nuclear War in the Middle East», **Strategic Review**, Spring 1993: 52-60.

۳۶. ر.ک. به:

Semour M. Hersh, **The samson Option**, *op. cit.* pp. 222- 223.

۳۷. سعیده لطفیان «تقویم ایرانی لانتشار النووی»، شوون شرق الاوسط. العدد ۴۱، مایو - حزيران، یولیو ۱۹۹۵: صص ۵۵-۷۰.

38. Geoffrey Aronson, «Hidden Agenda: US - Israeli Relations and the Nuclear Question», **Middle East Journal**, 46, 4 (Autumn 1992): p. 623.